

ثانیاً مذاکره در پیشنهاد آقای ارباب کهپسر و راجع بتبدیل تاریخ جشن مشروطیت از قمری بشمس

وزیر عدلیه - قبل از آنکه مجلس ختم شود اجازه می خواهم قانون ثبت اسناد را که چندی قبل تقدیم مجلس شورای ملی کرده بودم و بعد برای مختصر تجدید نظری مسترد داشته بودم ثانیاً تقدیم مجلس کنم

(با آقای نایب رئیس تسلیم نمودند)
نایب رئیس - يك لایحه قانونی هم راجع بمالیات کثیرا رسیده است فرستاده میشود بکمیسیون هرايض مالیه و همچنین پیشنهادی رسیده است راجع بتجدید کنترات مسیو استئاس بلژیکی مأمور گمرک به کمیسیون مربوطه فرستاده میشود ولایحه قانون ثبت اسناد هم بکمیسیون عدلیه مراجعه میشود

رکن الملک - روز جلسه را معین بفرمائید

نایب رئیس - اگر آقایان موافق باشند فردا باشد

(بعضی گفتند خیر - روز شنبه باشد)
نایب رئیس - روز شنبه دو ساعت بغروب مانده مخالفی نیست

(اظهاری نشد)
(مجلس تقریباً سه ساعت از شب گذشته ختم شد)

مؤتمن الملک

جلسه ۷۲

صورت مشروح مجلس

یوم شنبه ششم حوت ۱۳۰۰ مطابق ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۳۰

مجلس یکساعت قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم چهارم شنبه سوم حوت را آقای تدین قرائت نمودند

رئیس - آقایان نسبت بصورت مجلس اظهاری دارند یا نه

(اظهاری نشد)
رئیس - صورت مجلس تصویب شد

آقای مدرس راجع بچه مسئله است

مدریس - راجع بدستوری که معین شده؟

رئیس - اسامی که سابقاً آقایان اجازه خواسته اند و نوشته شده و محفوظ مانده است

مدریس - اجازه بنده هم لابد محفوظ است

رئیس - تغییر قمره چهارم از ماده ۱۴۷ قانون تشکیلات عدلیه مطرح است

آقای مدرس (اجازه)
مدریس - گرچه تغییر ماده چهارم است و مانعی هم نیست لیکن تجربه شده هر

وقتی که آقای رئیس تشریف ندارند بعضی صحبت های خارج از موضوع در مجلس میشود که اینک در جلسه گذشته هم خارج از موضوع بعضی صحبت ها شده که صحبت ما که شد اگر همین قسم بگذاریم باشد قدری ضرر دارد لهذا با اجازه يك چند کلمه متعلق بآن خارج از موضوعات مجبورم عرض کنم ...

رئیس - راجع بچه مسئله است
مدریس - راجع بخارج از موضوعاتی است که در جلسه سابق صحبت شد چون موضوع مذاکره تغییر قمره چهارم ۱۴۷ بوده مذاکرات مجلس از تغییر این قمره بیرون رفت چنانچه همان مطالب که در صورت مجلس خوانده شد در جمله اینک که این قوانین قانونیت ندارد لذا دو کلمه باید عرض کنم

رئیس - آن مسائل خارج از موضوع نه بود چون بعضیها گفتند این فرع بر يك اصلی است و داخل در اصل شدند حالا هم سرکارا که میخواهد در اصل مسئله حرف بزنید خارج از موضوع نخواهد بود

مدریس - بنده عرض می کنم قانون باید در جاتی دارا باشد تا قانونیت کامل شود که یکی از آن درجات مجلس شورای ملی است و یکی کمیسیون است و یکی مجلس سنا است و یکی امضای پادشاه است و تمام آنها هم در صورتی است که مخالف بامذهب نباشد (گفته شد صحیح است) این قانون معاکمات حقوقی با اجازه مجلس در کمیسیون مطرح شد اشخاص هم بودند نظریاتی هم کردند ملاحظه عدم مخالفتی هم باشر شده است لهذا مجالس تشکیل داده شدند

مذاکراتی شد و بامضای نایب السلطنه آنروز هم رسیده است و تمام بدبختی این شد که باین قانون عمل نشد يك شخص عامی نشسته بود يك شخص باسوادی قرآن می خواند خواند خواند (آن فرعون علفی الارض) آن عامی گفت عجب اسم فرعون را تویی قرآن نوشته اند آن ورق رایاره کرد و انداخت تویی بغاری و گفت اسم فرعون تویی قرآن نباید باشد فرض این است که بموادیکه نوشته شده عمل نشد و این محظورات تولید شد فقط باین معاکمات حقوقی دو سال که در تحت نظر آقای مشیرالدوله بود عمل شد و هر کس باین وزارت خانه وارد شد از درش وارد شد و هر کس هم که باید خارج شود از درش وارد که باید خارج شود خارج شد ولی در هشت ۹ سال دیگر این وزارت خانه که محل صیانت اعتراض و اموال و نفوس مردم است هر چه مرج گذشت یعنی هر روزی که آمد چند نفر از بستگان خود را آورد و داخل کرد و چند نفر را بیرون کرد لهذا حال عدلیه باینجا رسیده است که همه می دانید واقعا اسباب زحمت مردم شده و مسئله امتحان

در وقتی که این قانون نوشته میشد پیش بینی شد و در این فقره رابع نوشته شده دادن امتحان علمی و عملی علم یعنی چه یعنی معلومات از شما می خواهند وقتی شما بيك طبیبی مثلاً رجوع میکنید این طبیب باید معلومات داشته باشد که درد را بشناسد و دوا را هم بداند همینطور هر کس در عدلیه نشسته است باید معلومات حقوقی و شرعی و غیره را بداند و هر چه را نداند باید کتاب را باز کند و رفتار کند و بداند که چه میکند و در دمان را می فهمد دوا را هم مطابق مرض می دهد همین طور اشخاصی که میخواهند عدلیه وارد شوند باید علوم که محل احتیاج این وزارتخانه است بدانند و کتب فقهی و حقوقی که ما محتاج هستیم در روی میز باشد که هر مسئله که اتفاق می افتد و نتوانست بفهمد از آن رو عمل کند ولی اشخاصیکه در این هفت هشت سال بدون مراعات اینک علم داشته باشند وارد این وزارت خانه گردیدند و اموال و امراض مردم حفظ نشد و در این هفت هشت سال يك اشخاص بهرج و مرج بدون امتحان وارد شدند اینجا که وزارت داخله نیست که فلانکس را از پشت کوه بیاورند و والی فلان شهر کنند اگر چه آنهم بی ترتیب است لیکن عدلیه مایه و حقیقتش علم است باید احکام شرعی و حقوقی را بداند تا در عدلیه بنشیند بنده نمی گویم مجتهد باشد زیرا که مثلا قضاوت در کار نیست عملی کردن بعلم است از باب امر معروف و نهی از منکر هستند عدلیه ما اقرار است و علم سابق بر این يك حاکمی که يك سند می پیش او میبردند و میگفتند از فلان شخص طلب دارم میفرستاد طرف را می آورد بچه چوب می بست که فلان مبلغ را مطابق این سند باید بدهی بعد که مشروطه شد آمدیم این مسئله را اداری کردیم گفتیم يك محکمه ابتدائی و يك محکمه استینافی و يك تمیز باشد که هفت نفر علم پیدا کنند که این شخص مدیون است و مثل سابق نباشد که بزور قوت از او بگیرند و این مسئله مربوط بقضاوت نیست مسئله قضاوت هم پیش بینی شده است که چه اشخاصی باشند پیغمبر یا امام یا مؤمن (امتحان الله قلبه الايمان) غیر از این سه نفر کس دیگر قابل نیست که قاضی باشد ولی کدخدای يك ده وقتی شخصی نزد او می رود و میگوید فلانکس صد تومان مال من را برده است از باب امر معروف و نهی از منکر میگیرد و می دهد این دخلی بقضاوت ندارد قضاوت محتاج به شاهد است و وظیفه پیغمبر و امام (مؤمن امتحان الله) و عمل بعلم است و نباید معلومات داشته باشد که هر مسئله را بداند یا اگر نداند کتب فقه را باز کرده و بفهمد که این مسئله حکمش چیست

در این نامه نوشته شده علم و عمل تا کسی وارد عدلیه نشود که عمل ندارد پس عمل یعنی اخلاق و صفات پسندیده مناسب با آن وزارت خانه را دارا باشد تا وقتیکه وارد عمل شد عملیاتش معلوم شود باین لحاظ گفتیم این وزارتخانه يك وزارتخانه است که باید اصلاح امور مملکتی را بکند و اگر وزیر آمد و گفت فلان تو چرا روی این صندلی نشسته ای بگوید علم و عمل من مرا روی این صندلی نشانده و دیگر نشود او را برداشت زیرا اگر مقامش متزلزل باشد نمی تواند بر طبق عقیده اش حکم کند و متکی بعلم و عملش باشد و بگوید علم من مرا روی این صندلی نشانده نه ناصر الملک نه آقای مشیر الدوله نه فلانکس برای اینک وقتی علم و عمل او او را روی صندلی نشانده آنوقت دیگر فلان شخص نمی تواند باو بگوید باید تابع اراده من باشی و آزادانه میتواند حکم کند باین لحاظ آن زمانی که در کمیسیون عدلیه بودیم و همچنین آقای رئیس الوزرا هم تشریف داشته چون مدرسه که کامل باشد نداشتیم و مدارس قدیمه مان هم مرتب نبود که يك پروگرام منظمی داشته باشد و در مدارس جدیدمان هم اینگونه دروس نبود لهذا چاره ندیدیم غیر از اینک امتحان را میان آوریم و يك مقداری هم در زمان آقای مشیرالدوله عمل شد و گمان میکردیم عدلیه ما خیلی ترقی کرده بعد که اشخاص دیگر آمدند و دیدند مصلحت نیست هر کدام چهار نفر داخل کردند و چهار نفر را خارج تا اینک این وزارتخانه که محل صیانت امراض و اموال مردم است بطوریکه می بینید باین روزگار افتاده پس بناء علیهنا عقیده بنده این است که این ماده اشکالی ندارد اجمالی هم ندارد يك مطلبی است که قیاساتنا معیابلی يك مدرسه حقوق در این جا استثنا شده آنرا هم اهل علم می فهمند این مدرسه حقوق مدرسه حقوقی است که بپرداز عدلیه مانعی خورد بلکه بپرداز عدلیه آن حقوقی خواهد خورد که احقاق حق مردم را بکند البته هر وقت يك همچو پروگرامی که بتواند حقوق مردم را حفظ کند از برای مدرسه حقوق نوشته و پیشنهاد مجلس شورای ملی کردند و مجلس رای داد دیگر امتحان لازم ندارد لیکن چون هنوز نوشته نشده لهذا بنده يك پیشنهادی کرده ام آقایان هم پیشنهاد کرده اند که مواد از ماده ۱۴۷ این است و اجمال و اشکالی هم برای اهل خبره قانون ندارد دیگر عرض ندارم

رئیس الوزراء - لایحه تشکیلات مالیه است که بنا بود بمجلس شورای ملی تقدیم شود بودجه هیئت وزراء هم در حدود اعتباریکه از طرف مجلس شورای ملی تصویب

در این نامه نوشته شده علم و عمل تا کسی وارد عدلیه نشود که عمل ندارد پس عمل یعنی اخلاق و صفات پسندیده مناسب با آن وزارت خانه را دارا باشد تا وقتیکه وارد عمل شد عملیاتش معلوم شود باین لحاظ گفتیم این وزارتخانه يك وزارتخانه است که باید اصلاح امور مملکتی را بکند و اگر وزیر آمد و گفت فلان تو چرا روی این صندلی نشسته ای بگوید علم و عمل من مرا روی این صندلی نشانده و دیگر نشود او را برداشت زیرا اگر مقامش متزلزل باشد نمی تواند بر طبق عقیده اش حکم کند و متکی بعلم و عملش باشد و بگوید علم من مرا روی این صندلی نشانده نه ناصر الملک نه آقای مشیر الدوله نه فلانکس برای اینک وقتی علم و عمل او او را روی صندلی نشانده آنوقت دیگر فلان شخص نمی تواند باو بگوید باید تابع اراده من باشی و آزادانه میتواند حکم کند باین لحاظ آن زمانی که در کمیسیون عدلیه بودیم و همچنین آقای رئیس الوزرا هم تشریف داشته چون مدرسه که کامل باشد نداشتیم و مدارس قدیمه مان هم مرتب نبود که يك پروگرام منظمی داشته باشد و در مدارس جدیدمان هم اینگونه دروس نبود لهذا چاره ندیدیم غیر از اینک امتحان را میان آوریم و يك مقداری هم در زمان آقای مشیرالدوله عمل شد و گمان میکردیم عدلیه ما خیلی ترقی کرده بعد که اشخاص دیگر آمدند و دیدند مصلحت نیست هر کدام چهار نفر داخل کردند و چهار نفر را خارج تا اینک این وزارتخانه که محل صیانت امراض و اموال مردم است بطوریکه می بینید باین روزگار افتاده پس بناء علیهنا عقیده بنده این است که این ماده اشکالی ندارد اجمالی هم ندارد يك مطلبی است که قیاساتنا معیابلی يك مدرسه حقوق در این جا استثنا شده آنرا هم اهل علم می فهمند این مدرسه حقوق مدرسه حقوقی است که بپرداز عدلیه مانعی خورد بلکه بپرداز عدلیه آن حقوقی خواهد خورد که احقاق حق مردم را بکند البته هر وقت يك همچو پروگرامی که بتواند حقوق مردم را حفظ کند از برای مدرسه حقوق نوشته و پیشنهاد مجلس شورای ملی کردند و مجلس رای داد دیگر امتحان لازم ندارد لیکن چون هنوز نوشته نشده لهذا بنده يك پیشنهادی کرده ام آقایان هم پیشنهاد کرده اند که مواد از ماده ۱۴۷ این است و اجمال و اشکالی هم برای اهل خبره قانون ندارد دیگر عرض ندارم

رئیس الوزراء - لایحه تشکیلات مالیه است که بنا بود بمجلس شورای ملی تقدیم شود بودجه هیئت وزراء هم در حدود اعتباریکه از طرف مجلس شورای ملی تصویب

در این نامه نوشته شده علم و عمل تا کسی وارد عدلیه نشود که عمل ندارد پس عمل یعنی اخلاق و صفات پسندیده مناسب با آن وزارت خانه را دارا باشد تا وقتیکه وارد عمل شد عملیاتش معلوم شود باین لحاظ گفتیم این وزارتخانه يك وزارتخانه است که باید اصلاح امور مملکتی را بکند و اگر وزیر آمد و گفت فلان تو چرا روی این صندلی نشسته ای بگوید علم و عمل من مرا روی این صندلی نشانده و دیگر نشود او را برداشت زیرا اگر مقامش متزلزل باشد نمی تواند بر طبق عقیده اش حکم کند و متکی بعلم و عملش باشد و بگوید علم من مرا روی این صندلی نشانده نه ناصر الملک نه آقای مشیر الدوله نه فلانکس برای اینک وقتی علم و عمل او او را روی صندلی نشانده آنوقت دیگر فلان شخص نمی تواند باو بگوید باید تابع اراده من باشی و آزادانه میتواند حکم کند باین لحاظ آن زمانی که در کمیسیون عدلیه بودیم و همچنین آقای رئیس الوزرا هم تشریف داشته چون مدرسه که کامل باشد نداشتیم و مدارس قدیمه مان هم مرتب نبود که يك پروگرام منظمی داشته باشد و در مدارس جدیدمان هم اینگونه دروس نبود لهذا چاره ندیدیم غیر از اینک امتحان را میان آوریم و يك مقداری هم در زمان آقای مشیرالدوله عمل شد و گمان میکردیم عدلیه ما خیلی ترقی کرده بعد که اشخاص دیگر آمدند و دیدند مصلحت نیست هر کدام چهار نفر داخل کردند و چهار نفر را خارج تا اینک این وزارتخانه که محل صیانت امراض و اموال مردم است بطوریکه می بینید باین روزگار افتاده پس بناء علیهنا عقیده بنده این است که این ماده اشکالی ندارد اجمالی هم ندارد يك مطلبی است که قیاساتنا معیابلی يك مدرسه حقوق در این جا استثنا شده آنرا هم اهل علم می فهمند این مدرسه حقوق مدرسه حقوقی است که بپرداز عدلیه مانعی خورد بلکه بپرداز عدلیه آن حقوقی خواهد خورد که احقاق حق مردم را بکند البته هر وقت يك همچو پروگرامی که بتواند حقوق مردم را حفظ کند از برای مدرسه حقوق نوشته و پیشنهاد مجلس شورای ملی کردند و مجلس رای داد دیگر امتحان لازم ندارد لیکن چون هنوز نوشته نشده لهذا بنده يك پیشنهادی کرده ام آقایان هم پیشنهاد کرده اند که مواد از ماده ۱۴۷ این است و اجمال و اشکالی هم برای اهل خبره قانون ندارد دیگر عرض ندارم

رئیس الوزراء - لایحه تشکیلات مالیه است که بنا بود بمجلس شورای ملی تقدیم شود بودجه هیئت وزراء هم در حدود اعتباریکه از طرف مجلس شورای ملی تصویب

در این نامه نوشته شده علم و عمل تا کسی وارد عدلیه نشود که عمل ندارد پس عمل یعنی اخلاق و صفات پسندیده مناسب با آن وزارت خانه را دارا باشد تا وقتیکه وارد عمل شد عملیاتش معلوم شود باین لحاظ گفتیم این وزارتخانه يك وزارتخانه است که باید اصلاح امور مملکتی را بکند و اگر وزیر آمد و گفت فلان تو چرا روی این صندلی نشسته ای بگوید علم و عمل من مرا روی این صندلی نشانده و دیگر نشود او را برداشت زیرا اگر مقامش متزلزل باشد نمی تواند بر طبق عقیده اش حکم کند و متکی بعلم و عملش باشد و بگوید علم من مرا روی این صندلی نشانده نه ناصر الملک نه آقای مشیر الدوله نه فلانکس برای اینک وقتی علم و عمل او او را روی صندلی نشانده آنوقت دیگر فلان شخص نمی تواند باو بگوید باید تابع اراده من باشی و آزادانه میتواند حکم کند باین لحاظ آن زمانی که در کمیسیون عدلیه بودیم و همچنین آقای رئیس الوزرا هم تشریف داشته چون مدرسه که کامل باشد نداشتیم و مدارس قدیمه مان هم مرتب نبود که يك پروگرام منظمی داشته باشد و در مدارس جدیدمان هم اینگونه دروس نبود لهذا چاره ندیدیم غیر از اینک امتحان را میان آوریم و يك مقداری هم در زمان آقای مشیرالدوله عمل شد و گمان میکردیم عدلیه ما خیلی ترقی کرده بعد که اشخاص دیگر آمدند و دیدند مصلحت نیست هر کدام چهار نفر داخل کردند و چهار نفر را خارج تا اینک این وزارتخانه که محل صیانت امراض و اموال مردم است بطوریکه می بینید باین روزگار افتاده پس بناء علیهنا عقیده بنده این است که این ماده اشکالی ندارد اجمالی هم ندارد يك مطلبی است که قیاساتنا معیابلی يك مدرسه حقوق در این جا استثنا شده آنرا هم اهل علم می فهمند این مدرسه حقوق مدرسه حقوقی است که بپرداز عدلیه مانعی خورد بلکه بپرداز عدلیه آن حقوقی خواهد خورد که احقاق حق مردم را بکند البته هر وقت يك همچو پروگرامی که بتواند حقوق مردم را حفظ کند از برای مدرسه حقوق نوشته و پیشنهاد مجلس شورای ملی کردند و مجلس رای داد دیگر امتحان لازم ندارد لیکن چون هنوز نوشته نشده لهذا بنده يك پیشنهادی کرده ام آقایان هم پیشنهاد کرده اند که مواد از ماده ۱۴۷ این است و اجمال و اشکالی هم برای اهل خبره قانون ندارد دیگر عرض ندارم

رئیس الوزراء - لایحه تشکیلات مالیه است که بنا بود بمجلس شورای ملی تقدیم شود بودجه هیئت وزراء هم در حدود اعتباریکه از طرف مجلس شورای ملی تصویب

در این نامه نوشته شده علم و عمل تا کسی وارد عدلیه نشود که عمل ندارد پس عمل یعنی اخلاق و صفات پسندیده مناسب با آن وزارت خانه را دارا باشد تا وقتیکه وارد عمل شد عملیاتش معلوم شود باین لحاظ گفتیم این وزارتخانه يك وزارتخانه است که باید اصلاح امور مملکتی را بکند و اگر وزیر آمد و گفت فلان تو چرا روی این صندلی نشسته ای بگوید علم و عمل من مرا روی این صندلی نشانده و دیگر نشود او را برداشت زیرا اگر مقامش متزلزل باشد نمی تواند بر طبق عقیده اش حکم کند و متکی بعلم و عملش باشد و بگوید علم من مرا روی این صندلی نشانده نه ناصر الملک نه آقای مشیر الدوله نه فلانکس برای اینک وقتی علم و عمل او او را روی صندلی نشانده آنوقت دیگر فلان شخص نمی تواند باو بگوید باید تابع اراده من باشی و آزادانه میتواند حکم کند باین لحاظ آن زمانی که در کمیسیون عدلیه بودیم و همچنین آقای رئیس الوزرا هم تشریف داشته چون مدرسه که کامل باشد نداشتیم و مدارس قدیمه مان هم مرتب نبود که يك پروگرام منظمی داشته باشد و در مدارس جدیدمان هم اینگونه دروس نبود لهذا چاره ندیدیم غیر از اینک امتحان را میان آوریم و يك مقداری هم در زمان آقای مشیرالدوله عمل شد و گمان میکردیم عدلیه ما خیلی ترقی کرده بعد که اشخاص دیگر آمدند و دیدند مصلحت نیست هر کدام چهار نفر داخل کردند و چهار نفر را خارج تا اینک این وزارتخانه که محل صیانت امراض و اموال مردم است بطوریکه می بینید باین روزگار افتاده پس بناء علیهنا عقیده بنده این است که این ماده اشکالی ندارد اجمالی هم ندارد يك مطلبی است که قیاساتنا معیابلی يك مدرسه حقوق در این جا استثنا شده آنرا هم اهل علم می فهمند این مدرسه حقوق مدرسه حقوقی است که بپرداز عدلیه مانعی خورد بلکه بپرداز عدلیه آن حقوقی خواهد خورد که احقاق حق مردم را بکند البته هر وقت يك همچو پروگرامی که بتواند حقوق مردم را حفظ کند از برای مدرسه حقوق نوشته و پیشنهاد مجلس شورای ملی کردند و مجلس رای داد دیگر امتحان لازم ندارد لیکن چون هنوز نوشته نشده لهذا بنده يك پیشنهادی کرده ام آقایان هم پیشنهاد کرده اند که مواد از ماده ۱۴۷ این است و اجمال و اشکالی هم برای اهل خبره قانون ندارد دیگر عرض ندارم

رئیس الوزراء - لایحه تشکیلات مالیه است که بنا بود بمجلس شورای ملی تقدیم شود بودجه هیئت وزراء هم در حدود اعتباریکه از طرف مجلس شورای ملی تصویب

در این نامه نوشته شده علم و عمل تا کسی وارد عدلیه نشود که عمل ندارد پس عمل یعنی اخلاق و صفات پسندیده مناسب با آن وزارت خانه را دارا باشد تا وقتیکه وارد عمل شد عملیاتش معلوم شود باین لحاظ گفتیم این وزارتخانه يك وزارتخانه است که باید اصلاح امور مملکتی را بکند و اگر وزیر آمد و گفت فلان تو چرا روی این صندلی نشسته ای بگوید علم و عمل من مرا روی این صندلی نشانده و دیگر نشود او را برداشت زیرا اگر مقامش متزلزل باشد نمی تواند بر طبق عقیده اش حکم کند و متکی بعلم و عملش باشد و بگوید علم من مرا روی این صندلی نشانده نه ناصر الملک نه آقای مشیر الدوله نه فلانکس برای اینک وقتی علم و عمل او او را روی صندلی نشانده آنوقت دیگر فلان شخص نمی تواند باو بگوید باید تابع اراده من باشی و آزادانه میتواند حکم کند باین لحاظ آن زمانی که در کمیسیون عدلیه بودیم و همچنین آقای رئیس الوزرا هم تشریف داشته چون مدرسه که کامل باشد نداشتیم و مدارس قدیمه مان هم مرتب نبود که يك پروگرام منظمی داشته باشد و در مدارس جدیدمان هم اینگونه دروس نبود لهذا چاره ندیدیم غیر از اینک امتحان را میان آوریم و يك مقداری هم در زمان آقای مشیرالدوله عمل شد و گمان میکردیم عدلیه ما خیلی ترقی کرده بعد که اشخاص دیگر آمدند و دیدند مصلحت نیست هر کدام چهار نفر داخل کردند و چهار نفر را خارج تا اینک این وزارتخانه که محل صیانت امراض و اموال مردم است بطوریکه می بینید باین روزگار افتاده پس بناء علیهنا عقیده بنده این است که این ماده اشکالی ندارد اجمالی هم ندارد يك مطلبی است که قیاساتنا معیابلی يك مدرسه حقوق در این جا استثنا شده آنرا هم اهل علم می فهمند این مدرسه حقوق مدرسه حقوقی است که بپرداز عدلیه مانعی خورد بلکه بپرداز عدلیه آن حقوقی خواهد خورد که احقاق حق مردم را بکند البته هر وقت يك همچو پروگرامی که بتواند حقوق مردم را حفظ کند از برای مدرسه حقوق نوشته و پیشنهاد مجلس شورای ملی کردند و مجلس رای داد دیگر امتحان لازم ندارد لیکن چون هنوز نوشته نشده لهذا بنده يك پیشنهادی کرده ام آقایان هم پیشنهاد کرده اند که مواد از ماده ۱۴۷ این است و اجمال و اشکالی هم برای اهل خبره قانون ندارد دیگر عرض ندارم

رئیس الوزراء - لایحه تشکیلات مالیه است که بنا بود بمجلس شورای ملی تقدیم شود بودجه هیئت وزراء هم در حدود اعتباریکه از طرف مجلس شورای ملی تصویب

شد حاضر است تقدیم میشود بودجه وزارت داخله هم حاضر شده در جلسه دیگر تقدیم میشود

لایحه تشکیلات مالی و بودجه هیئت وزراء را آقای رئیس تسلیم نمودند
رئیس - ارسال میشود بکمسیون های مربوطه آقای زنجانی (اجازه)

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - چون
دوروز است در این خصوص مذاکراتی جریان پیدا نموده که شاید بعضی مسائل مشتبه شده اولاً مذاکره شد در اینکه هر گاه در مجلس رای داده شد که فلان لایحه مثل لایحه مصدق السلطنه بموقع اجرا گذارده شود یا فلان وزیر آنچه در ذهنش است آن را عمل کند و در یک مدتی آزمایش کند آیا این قانون میشود یا نه یا فرضاً یک کتاب کلفتی نوشتند و آوردند این اجازه داده شد با آن عمل کنند آیا قانون میشود یا خیر ؟ یا اینکه ماده یا صدمه ماده از کمیسیون گذشت آیا قانون میشود بمقتضای بنده غیر قانون نمی شود و هنوز شک دارم که آیا مجلس شورای ملی هیچ حقی را دارد یا نه ؟

چنانچه در موضوع لایحه مصدق - السلطنه هم گفتم مجلس این حق را ندارد زیرا قانون آن چیز نیست که بمجلس پیشنهاد شود بکمسیون ارسال شود و در کمیسیون تجدید نظر شود و در مجلس دوشور در آن بشود و رای گرفته شود آن وقت اگر تصویب شد اسم او را قانون میگنارند و معمول به میشود و میگویند این قانون به کمیسیون رفته و دوشور هم در او شده و درجات خود را طی کرده و قانونیت دارد و معمول به نباید بشود بآن عمل شود ولی یک موادی که میخواهند یک مدت تعجب به بشود به بینید خوب است یا خیر و بعد بمجلس بیاورید و حاکم و اصلاح بنمائید و بتصویب برسد یک چیزی است که یک مدتی معمول به است و گمان می کنم کسی در این قسمت حرف نداشته باشد و گویا مقصود آقایان هم همین است که این مواد موقتی معمول بشود تا بعد بیاید بمجلس و قانونی شود بنده تصور میکنم در این قسمت همه آقایان موافق هستند و بعد از این هم نباید در این قسمت گفتگو کرد زیرا ممکن است بعد از این هم یک روز یک وزیر بیاید و بگوید من یک قانون نوشته ام مجلس اجازه بدهد تا آن را آزمایش کنم و مجلس هم اجازه بدهد ولی قانون نیست بنا بر این آنچه هم که از کمیسیون گذشته و مجلس رای داده معمول به بشود قانون نیست برای اینکه قانون رسمی شرطش این است که ماده بنامه در مجلس مذاکره شود و در آن دوشور بشود و راجع بامتحان هدلیه هم البته باید

هر کس میخواهد مستخدم باشد باید امتحان بدهد نه تنها در هدلیه بلکه در تمام ادارات دولتی کسانی که می خواهند داخل شوند باید امتحان بدهند چنانچه در آن قانونی هم که راجع بامتحان چند نفر پیشنهاد کرده ایم نوشته شده است که کلیه مستخدمین هر کس در شغل خودش باید امتحان بدهد مگر اینکه امتحان داده باشد و تصدیق رسمی در دست داشته باشد مثلاً اگر یک معاسب لازم داشته باشیم و در مدرسه درس حساب را خوانده و تصدیق نامه هم در دست داشته باشد دیگر لازم نیست از او امتحان شود وقتی که امتحان داده باو هم حرف دارید ؟ بعقیده بنده خیر همان تصدیق او کافی است ولی مشروط بر اینکه مطابقه بکنند با آن پرگرام که میخواهیم از او امتحان کنیم و بقول آقای نصرت الدوله دکتر ایندروا چون در ایران دکتر ایندروا پیدا نمی شود پس باید قضاوت هم نشود و بماند تا وقتیکه دکتر ایندروا پیدا شود خیر اینطور نیست همین را که داریم باید عملاً و علماً امتحان کنیم این را عرض میکنم که بعضی اشتباه میکنند که می گویند قضاوت فلان شرط را باید دارا باشند این مسئله راجع بقضاوت شرعی نیست بعلاوه آنهایی هم که میخواهند قضاوت شرعی کنند باید دیپلم داشته باشند یعنی از استاد خود باید اجازه داشته باشند و استاد تصدیق کرده باشد که این شخص مجتهد جامع الشرایع است و اگر تصدیق نکنند مردم قبول نمیکند که داخل در امور شود سایرین هم همین رویه را تعقیب کرده اند یعنی بفارغ التحصیل های خودشان در هر رشته دیپلم میدهند که این شخص در این علم مجتهد شده و اجازه میدهند که می تواند فلان کار را بکند و در هر جا که میرود اگر بخواهد کار بکند دیپلم خود را ارائه میدهد و میدانند که معلومات او در فلان رشته کافی است و لازم نیست مجدداً امتحان شود.

بنده باین قضیه خیلی اهمیت میدهم و برای استحضار خاطر همه آقایان عرض میکنم مملکت آنوقت ترقی میکند که همه چیزش بر روی دیپلم باشد مالک خارجی ترقی نکرده اند مگر وقتی که گفتند طبیب طبیب نمیشود جز اینکه دیپلم داشته باشد بقال بقال نیست مگر با دیپلم هنوز زارع و تاجر تا دیپلم در دست نداشته باشد نمیتواند تجارت بکند باید دیپلم داشته باشد که معلوم باشد علم تجارت را میدانند و دفتر او را دولت ورق ورق امضا میکند و در آن دفتر مینویسد این دفتر دارای چند ورق است که یاره نکند و آخر او را دولت مهر میکند و ثبت میکند آنوقت این شخص با دیپلم و عالم بملم تجارت بآن دفتر ممضای

بامضای دولت می تواند تجارت بکند پس وقتی این مملکت میتواند ترقی کند که مستخدمین در تمام چیزهایش بر روی دیپلم باشد و آنهایی که استاد هر فنی هستند و باید دیپلم داشته باشند و بهر کاری که میخواهند داخل شوند باید دیپلم خود را ارائه دهند که در او نوشته شده باشد ما این شخص را امتحان کردیم و این معلومات را دارد و مقامات رسمی هم آن را امضاء کرده باشند .

در این صورت دیگر محتاج به تجدید امتحان نیست ولی آنوقت که داخل در اداره میشوند مدتی باید در زیر دست استادان کار مجانی کنند دو سال سه سال ۶ ماه هر کدام بفرآورد حال خودشان آنوقت پس از طی خدمت مجانی داخل در مستخدمین رسمی میشوند و وقتی که رسمی شدند اول با ذنی درجه وارد میشوند یعنی ثابت بعد منشی بعد از چند سال که خدمت کرد عضو یک محکمه ابتدائی میشود چند سال دیگر که کار کرد داخل استیفاء میشود در غیر هدلیه هم همینطور است اول ثابت و ضابط میشود بعد از چند سال منشی اول بعد معارف کابینه بعد رئیس کابینه میشود و مدتها کار میکند تا مثلاً فلان معاون وزیر میشود و بعد کم کم بمقام وزارت میرسد نظام هم همین طور است باید کار کند تا رفته رفته بمقامات عالی برسد اول تا بنی است بعد کم کم نایب و سلطان و سرهنگ و سرتیپ و ژنرال و کلنل همین طور تا سردار شود بنده قانون عثمانی را ترجمه کرده ام سه درجه برای امتحان قرار داده اند مثل ما نیست که در کوچه بکنفر را بردارند و بیاورند سر کار .

قانون عثمانی برای شاگردان مدارس سه درجه امتحان قرار داده بکنی برای شغل های اولیه مثل نباتی و ضابطی و منشیگری وقتی که امتحان دادند داخل کار میشوند و مدتی هم باید مجانی کار کنند تا رسمی بشوند درجه دوم متوسطه است آنها هم امتحاناتی دارند برای ریاست اداره و غیره امتحان آنها غیر از امتحان ثابت و ضابط است و بعد از گرفتن دیپلم داخل وزارتخانه ها میشوند و دیگر وزارتخانه از او امتحان نمی کنند چون همان علوم معموله و وزارتخانه را در مدرسه متوسطه خوانده اند و لازم به تجدید امتحان نیست و نمی گویند باید تو دومرتبه امتحان بدهی و میگویند همان علوم که شما میخواهید مطابق دیپلم رسمی که دارم مطابقه بکنید دیگر چه امتحانی میخواهید و دو مرتبه چه میگویند دیگر کسی باو نمیکوبد در هدلیه باید امتحان بدهی من هدلیه را گذاشتم زمین سایر وزارتخانه ها هم همین طور است تمام باید امتحان بدهند و درجات علمی و عملی خود را ابراز نمایند مگر اینکه امتحان داده

باشند و از وزارت معارف تصدیق در دست داشته باشند دیگر کسی نمیتواند منکر شود کسی از فلان مدرسه تصدیق گرفته و در مدرسه که آن علوم را درس داده اند که محتاج الیه فلان وزارتخانه است و معلمین او کاملاً اخلاق و هوش و ذکاوت او را امتحان کرده اند در اطلاق اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم اولاً امتحان کرده اند و باز هم در آخر که فارغ التحصیل میشود او را امتحان میکنند آنوقت اگر معلمین جمع شوند و باین شخص تصدیق نامه بدهند و مهر و امضای مقامات رسمی را هم داشته باشد دیگر وقتی او را میخواهند بر سر کار بیاورند مجدداً چند نفر را که بی سابقه باشند از خارج نمی آورند از او امتحان کنند این شخص ممکن است در موقع امتحان مضطرب شود و نتواند جواب بدهد ورد شود اما امتحاناتی که در مدرسه داده معقلاً بهتر بوده است شك هم ندارد بنده هم گمان نمی کنم کسی در این تاملی داشته باشد ما میگوئیم وزیر هدلیه تمام مستخدمین را بیاورد امتحان کند و اگر معال داشته باشد هر کسی حق دارد تقاضا بکند که من لیاقت دارم و امتحان میدهم ولی کسی که امتحان داده مستثنا است حالا بچه امتحان بدهد ؟ ما میگوئیم اگر آن مواد امتحان مطابق با دیپلم و تحصیلات ما است که مستثنی هستیم و اگر نه باید مازادش را امتحان بدهیم و امتحان میدهم حالا اسم آن مدرسه حقوق باشد یا سیاسی فرق نمیکند مثلاً اسم مدرسه فضیلت باشد یا مدرسه کمال باشد هر چه میخواهد باشد مقصود تحصیلات است پس ما باید بگوئیم نه چون اسمش مدرسه حقوق نیست قبول نداریم باید امتحان بدهید هدلیه بنده این است که مطابق تصدیق نامه و دیپلم او باید رفتار شود و من خیلی اهمیت بدیپلمها میدهم چون من بعد باید مملکت ما بر روی دیپلم اداره شود اگر این دیپلم را از بین ببریم تحصیل و معارف را از بین برده ایم چند سال قبل آقای مشیرالدوله یک مدرسه تشکیل داده اند تا بحال چقدر ها پول خرج آن شده و یک شاگرد که داخل آنجا بپهد تا وقتیکه خارج میشود چقدر هسا معارج دارد این مدرسه هر سال چندین هزار تومان خرج دارد و معلمین فاضل و کامل آنجا آورده اند بنده خودم یک اندک زمانی آنجا رفته ام چون آقای حاج میرزا علی محمد حکمی که حقیقه مرد بزرگوار است در آنجا فقه میکند و چند روزی ناخوش بودند خواهش کردند من رفتم آنجا در اطلاق سوم تبصره علامه میخوانند درس آنها را میگفتم کلاس چهارم پنج شرایع می خواندند قصاص دیانت میخواندند و از

من تقاضا کردند که آنرا ماده بماده فارسی گنم شاکردان کامل با هوش در آنجا بودند در کلاس اول و دوم جامع عباسی و کلاس سوم تبصره علامه و چهارم و پنجم شرایع میخواندند علم حقوق را مثل ذکاها الملک شخصی تدریس میکنند علم حقوق اصول معاکمات حقوقی و جزائی و اساسی و علم ثروت و این حقوقی که معروف است همه را میدانند و مانند آقای اعتماد الملک و منصور السلطنه و انظام الملک آنجا درس میدهند مخصوصاً کسانی که در مدرسه سیاسی درس خوانده اند و الا هم در مدرسه حقوق میروند پیش من آمدند و گفتند والا استفاده ما از مدرسه سیاسی در علم حقوق بیشتر است از این حقوق که در اینجا گفته می شود فقط آنجا حقوقشان مثل دیکنه گفته میشود آن هم فرانسه است و ما هم چون فرانسه میدانیم آنجا میرویم که فرانسه ما کامل شود والا از مدرسه سیاسی ما بهتر استفاده می کردیم و خودشان هم تصدیق دارند با همه این ها مدرسه سیاسی بیچاره سالی شش هزار تومان بودجه دارد و مدرسه حقوق سالی ۲۲ یا ۲۳ هزار تومان و حال آنکه نتیجه را نماند من لازم میدانم مدرسه حقوق را بدرسه سیاسی منضم کنند که یک شعبه حقوق باشد و یک شعبه هم علوم دیگر و شاکردان مدرسه حقوق هم بروند در مدرسه سیاسی که علاوه بر حقوق مطالب دیگر هم بخوانند خوب در صورتیکه ما این دیلم را قبول نکرديم آنوقت دارالفنون چه اهمیت دارد مثلاً شاکردان مدارس ابتدائی شش ساله که امتحان داده و دیپلم گرفته اند بیجه دلیل آنها را در مدرسه متوسطه بدون امتحان قبول می کنند لابد بواسطه بیایلیش که نوشته است قابلیت دارد بدرسه متوسطه داخل شود و قبول میشود و از آنجا هم تصدیق میگردد و می رود کلاس بالاتر پس ما باید بکوشیم چون این امتحان کافی نیست تصدیق او را قبول نداریم نمی شود تا کی نمی شود تا قیامت همینطور مسلسل هشتم و نهم صدم نمی شود و باید امتحان ثانوی بدهد خیر اینطور نیست اطاق هشتم برای خود اطاق هشتم و نهم مدارس متوسطه و عالی هر کدام برای خود یک تصدیق نامه دارند و مقامات رسمی هم امضاء نمودند آنوقت بیجه دلیل قبول نیکیند به علاوه صحبت و اجماع بشریات و قاضی نیست قاضی شرعی همان است که عرض کردم مثلاً سابق کسانی که حرف داشتند میرفتند پیش مجتهد از آقای ملک حکمی یا سندی یا حاجتی میگرفتند آنوقت چه میکردند میرفتند پیش حاکم حاکم مدلول حکم را میدید چه چیز است و اجرا میکرد از این یا از آن پول میگرفت اجرا میکرد ولی حالا قانونی شده است

مثلاً اگر کسی برود بماده بگویند فلانکس طلب دارم میگویند سندتوسک توجیست سندش را که ارائه داد مرتب بجزریان میاندازند اول احضاریه میفرستند که طرف فردا نگوید مرا خبر نکردند آیا این بهتر است یا حاکم آدم بفرستد و بگوید اگر نیائی پدرت را می سوزانم و چه میکنم این بهتر است یا احضاریه بفرستد و طرف امضاء کند و هر چه گفتگوش مطابق قانون ثبت کنند و خودش هم امضاء کند یا اینکه راجع بفلان مطلب بروند پیش حاکم حاکم بگوید چه میکنی میگویند دادنی نیست این هم کفاغذ من آنوقت فردا حاکم میگویی اینطور نیست چرا؟ برای اینکه شب حاکم را دیده اند آیا این بهتر است یا اینکه فلانکسی که تحصیل کرده و اصول معاکمات حقوقی را بفهمد بدهد که بهر بانات امور چطور رسیدگی کند یا چطور استنطاق کند و اسناد را چطور ثبت کند آقای مشیرالدوله يك وقت وزیر عدلیه بودند بنده هم در کبسیون عدلیه عضو بودم فرمودند میخواستیم عدلیه را منحل کنیم يك فکری بکنید ما هم يك پیشنهادی کردیم که چون شکایت از عدلیه زیاد رسیده است چند نفر انتخاب بشود بروند ببینند شکایت از عدلیه چه چیز است ما هم رفتیم رسیدگی کردیم ولی حالا که کچه چیزی گفته نشده این چه اعتراضی است نمیتواند قاضی شود ما هم نیکوگیم قاضی شود میگوئیم باید جریانات امورها بفهمد فرضاً يك نفر صدم تا حکم و سند از فلان و فلان دارد و دیگری از یک نفر دیگر آیا آنها آدم نبیخواهند که تشخیص بدهد که این اسناد کدام کدام وارد هست کدام حق هست کدام باطل ببیند آیا حق با این است یا با آن و کدامیک از این اسناد جعلی است و کدام حقیقی آیا این چیزها را فلان آقا باید تشخیص بدهد و رسیدگی بکند اگر يك قدری دقت بشود معنی ماده هم همین است که کسانی که در عدلیه هستند با استثنای کسانی که در یک مدرسه رسمی همان مطالب و علوم را امتحان داده باشند و تصدیق نامه داشته باشند باید امتحان بدهند دیگر ما نمی توانیم بگوئیم خیر چون اسم فلان مدرسه حقوق نیست و سیاسی است قبول نمیکنیم و باید مجدداً امتحان بدهند خیر اینطور نیست اسم هر چه میخواهد باشد مقصود تصدیقات است مطابق با پروگرام امتحان عدلیه اگر چنانچه مطابق کرد که امتحان لازم نیست و اگر مطابق نکرده آن وقت باید امتحان بدهند و دیگر نباید بگوئیم چون اسم این مدرسه حقوق نیست باید امتحان بدهند و بالاخره بنده از برای این ماده تغییر لازم میدانم و فقط يك قدری

اگر تأمل شود هر فراقی مقصود را میداند رئیس - آقای ندین (اجازه) قدسین - اصل ۷۱ متمم قانون اساسی اینطور میگوید (دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی نظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرائط است) در قانون عدلیه هم محاکم را بدو قسم منقسم کرده است محاکم عرفی و محاضر شرعی و معین نموده است که قضاوت در امور شرعیه باید بمحاضر شرع رجوع شود و رسیدگی بامور عرفیه در عدلیه باید باشد بنا بر این محاضر شرع و قضات شرعی بهیچ وجه محل بحث ما نیست زیرا قانون عدلیه برای محاکم شرعیه و محاضر نوشته نشده مقصود محاکم عرف است و این جزء چهارم از ماده ۱۴۷ قانون تشکیلات عدلیه که بجائنا مطرح بحث است موضوع امتحان اعضاء عدلیه است تصور می کنیم این موضوع بدیهی است و محتاج بمذاکره هم نیست البته کسی نمیتواند معتقد شود که جاهل مرافعه کند هیچ کسی عقیده ندارد اموال و اعراض مسلمین و با يك ملتی را بدست یکمده جاهل بسپارد و این خیلی ساده است بنا بر این موافق مقررات قانونی اشخاصیکه بصورت عدلیه پذیرفته میشوند باید دارای شرایط قانونی باشند یکی از آن شرایط این است که دارای معلومات کافی باشند برای اینکه فهمیده شود که این عضو جدید الورد یا عضویکه تقاضای ورود میکند دارای شرایط و معلومات معینه است یا خیر

جز چهارم ماده ۱۴۷ میگوید اعضائیکه بخواهند در عدلیه پذیرفته شوند باید امتحان علمی و عملی بدهند بنا بر این تصور میکنم کسی منکر این اصل نباشد که همه باید امتحان بدهند بلا استثناء (گفته شد صحیح است) ولی موضوع بحث این است که يك نظامنامه از طرف یکی از وزراء عدلیه در سنه ۱۳۳۲ نوشته شده است در آنجا برای اعضائیکه میخواهند در عدلیه داخل شوند شرایطی معین کرده و مواد الحاقیه معین نموده است حالا اگر بنا شد در يك محل دیگری غیر از مدرسه حقوق که رسمی هم باشد يك شخص تحصیل کرده باشد دولت هم دیپلم او را تصدیق کرده باشد در همان موادیکه در این نظامنامه مطرح است تحصیل نموده باشد آیا باز محتاج است که دومرتبه از او امتحان شود (بعضی گفتند خیر) من نیکوگیم شاکرد مدرسه سیاسی امتحان ندهد بنده میگویم شاکرد سیاسی و دارالفنون غیره همه باید امتحان بدهند اما دومرتبه و سه مرتبه نباید امتحان بدهند در ماده ۱۳ در نظامنامه امتحانات عدلیه همین نظامنامه که الان قرائت می کنیم که در ۲۳

هر سه سال را بخوبی از عهد برآمد آنوقت يك تصدیق نامه باو میدهند اما علومیکه در دوره متوسطه سه ساله مدرسه سیاسی تحصیل میشود بدیع است معانی بیان است که اگر بخوایم وارد جزئیات آن بشوم بطول می انجامد جغرافیای مفصل عالم و ایران تاریخ مفصل ایران تاریخ ملل قدیمه مشرق تاریخ رم تاریخ یونان تاریخ جدید تاریخ قرون وسطی تاریخ معاصر تاریخ شرا تاریخ فلسفه جدید تاریخ عرب و اسلام و هندنامه جغرافیای احصائیه صرف و نحو کامل ریاضیات جبر و مقابله دودرجه هندسه چهار مقابله دفتر داری منطق طبیعیات حیوان شناسی نبات شناسی طبقات الارض و فیزیک یاشیمی فرانسه ادبیات فارسی و غیره و مقداری فقه است که در این سه سال در آنجا تدریس می شود و بعد از موفق شدن بامتحان سه سال متوسطه به تحصیلات دوسال آخر شروع می نماید در آن دوسال فقه که يك دوره تحصیل میشود در صورتیکه در این نظامنامه امتحان عدلیه که ملاحظه می فرمائید فقط قضا و حدود و شهادت معین شده ولی در مدرسه سیاسی در کلاس اول از جامع عباسی تدریس می شود و تصدیق می فرمایند مفصل ترین کتابی است که در فقه نوشته شده و از حیث فروع قسمت معاملات از تبصره علامه است بقیه قضا و شهادت وارث و حدود و دیانت و غیره از شرایع تدریس می شود و خیلی دقت میشود که شاکردان یاد بگیرند و بعد امتحان بدهند و معلم این قسمت هم از چندنی باینطرف آقای میرزا علی محمد حکمی است و رو به رفته این قسمت از مسائل فقه را که معاملات و شهادت وارث و قضاء و سایر چیزها باشد از شرایع بطور تفصیل می خوانند و نظامنامه امتحان عدلیه فقط رؤس مسائل را معین نموده و علاوه بر فقه کلیات حقوق اساسی حقوق تجارتی اصول معاکمات حقوقی قوانین عدلیه علم ثروت راجع بمالیه بودجه قوانین مالیه نفوذ اعتبار صرافی راهم تحصیل می کنند و رو به رفته وقتی ما تحصیلات مدرسه سیاسی را بامواد نظامنامه امتحان عدلیه مقایسه کنیم می بینیم با آن موافق است بلکه بدرجات هم زیاده تر است مگر اینکه بگوئیم این نظامنامه کافی نیست آنوقت آن موضوع دیگری است و ممکن است بگوئیم يك نظامنامه هم امتحانی برای عدلیه و يك پرگرامی برای مدرسه حقوق تهیه شود که زائد از آن موادی باشد که تاکنون در مدرسه سیاسی تحصیل میشده است بنا بر این بنده تصور میکنم بعد از آنکه با این طول و تفصیل يك ماده شاکرد زحمت کشیده اند و تحصیل کردند و در

مدت پنجسال پنج مرتبه و در آخر هر سال يك عده اشخاص عالم و مطلع آن ها را امتحان کردند و بآنها تصدیق نامه دادند و يك مقام رسمی هم تصدیق نامه آنها را امضاء کردند مادام که این نظامنامه امتحانی معتبر است بعقیده بنده باید آنها مستثنی باشند مگر موقتی بگوئیم این نظامنامه معتبر نیست علاوه بنده يك حقیقتی را می خواهم عرض کنم و آن این است که این نظامنامه هم رسمیت ندارد بنده تاکنون عرض می کردم اشخاصی که امتحان ندادند مطابق این نظامنامه باید امتحان بدهند ولی مطابق همین جز چهارم ماده ۱۴۷ که بنظر آقایان میرسد این نظامنامه رسمیت ندارد و بنا بر این اشخاصی هم که موافق این نظامنامه امتحان داده اند امتحان آنها صحیح نیست و باید کسانی هم که امتحان داده اند با السویه هر دو امتحان بدهند چرا؟ برای اینکه می نویسد (رایباً دادن امتحانات علمی و عملی در انجمن امتحان وزارت عدلیه موافق پرگرامی که وزیر عدلیه مرتب و بعد از گذشتن از مقامات لازم طبع و اعلان خواهد کرد مادام که این امتحان در عدلیه است مادامی است که هیئت وزراست یا هر دوست یا جای دیگر علی ای حال این مقامات لازم باید تفسیر شود که کجا است و این نظامنامه فقط بامضای یک نفر وزیر است و مقامات لازم را که در اینجا تصریح نموده طی کرده و علاوه مطابق قانون تشکیلات عدلیه و دستخط تشکیلات که هر دو در سنه ۲۹ صادر شده است در دستخط تشکیلات که می نویسد (پس از تشکیل وزارت عدلیه تمام مأمورین عدلیه با استثنای پیشخدمت های دواثر و دربانها و پلیس باید بطریق امتحان و مسابقه در حضور کمیسیونی که از طرف وزیر عدلیه معین خواهد شد معین شوند قانون تشکیلات عدلیه هم که در سنه ۲۹ از کمیسیون عدلیه گذشته که جزء چهارم ماده ۱۴۷ آن فعلاً موضوع بحث است میگوید که عموم اعضاء و مستخدمین عدلیه باید امتحان بدهند و هیچ اختصاص بسنه ۳۲ ندارد

وزیر عدلیه پرگرام امتحان را مرتب نموده و از مقامات لازم گذشت و طبع و توزیع نمود امتحان بدهند بنا بر این وزیر عدلیه باید پرگرام خاصی برای امتحان تهیه کند و پس از گذشتن از مقامات لازم خواه مجلس باشد خواه هیئت وزرا آنوقت به آقایان اعلان کنند که شما بیاید موافق مواد این پرگرام امتحان بدهید در آنوقت هم بایستی برای اشخاص يك فرجه معین کنند تا بتوانند خود را حاضر نمایند که آن مواد بدووقع اجرا گذاشته شود و در آنهم هر چند صاحبی نظامنامه و مواد امتحان تغییر و تبدیل نکنند و باضافه جزابع ماده ۱۴۷ که می گوید دادن امتحانات علمی و عملی در انجمن امتحان و قضات عدلیه موافق پرگرامی که وزیر عدلیه مرتب و پس از گذشتن از مقامات لازم طبع و اعلان خواهد کرد مادام که این امتحان در عدلیه است و اجزاء و اعضاء برای معاکم و ادارات عدلیه تهیه نشده است دومرتبه را تصدیق کرد یکی اینکه اشخاصی که در مدرسه حقوق مطابق پرگرامی که وزارت عدلیه معین می کند و از مقامات لازم میگذرد فارغ التحصیل میشوند مستثنی هستند يك چیز دیگر هم می خواهم بگویم که این امتحان در عدلیه است مادامی است که مدرسه حقوق تأسیس نشده است و وقتی تأسیس شد دیگر امتحانی در کار نیست بنا بر این عرض می کنم که اگر ما بخوایم قضیه امتحان را تعقیب کنیم اولاً باید نسبت بمدرسه حقوق تفسیر فرائد بشویم که چه طور مدرسه است و علاوه مقامات لازم راهم تفسیر بکنیم که این مقامات لازم کجا است بنا بر این همه باید امتحان بدهند ولی اگر میگوئید مطابق نظامنامه امتحان عدلیه شاکردان مدرسه حقوق يك موادی را تحصیل می کنند که کافی است و باید از امتحان مستثنی باشند بنده عرض میکنم تحصیلات مدرسه سیاسی هم شامل این نظامنامه است و بنا بر این شاکردان آنجا باید مستثنی باشند دیگر اختیار با آقایان است

وزیر عدلیه پرگرام امتحان را مرتب نموده و از مقامات لازم گذشت و طبع و توزیع نمود امتحان بدهند بنا بر این وزیر عدلیه باید پرگرام خاصی برای امتحان تهیه کند و پس از گذشتن از مقامات لازم خواه مجلس باشد خواه هیئت وزرا آنوقت به آقایان اعلان کنند که شما بیاید موافق مواد این پرگرام امتحان بدهید در آنوقت هم بایستی برای اشخاص يك فرجه معین کنند تا بتوانند خود را حاضر نمایند که آن مواد بدووقع اجرا گذاشته شود و در آنهم هر چند صاحبی نظامنامه و مواد امتحان تغییر و تبدیل نکنند و باضافه جزابع ماده ۱۴۷ که می گوید دادن امتحانات علمی و عملی در انجمن امتحان و قضات عدلیه موافق پرگرامی که وزیر عدلیه مرتب و پس از گذشتن از مقامات لازم طبع و اعلان خواهد کرد مادام که این امتحان در عدلیه است و اجزاء و اعضاء برای معاکم و ادارات عدلیه تهیه نشده است دومرتبه را تصدیق کرد یکی اینکه اشخاصی که در مدرسه حقوق مطابق پرگرامی که وزارت عدلیه معین می کند و از مقامات لازم میگذرد فارغ التحصیل میشوند مستثنی هستند يك چیز دیگر هم می خواهم بگویم که این امتحان در عدلیه است مادامی است که مدرسه حقوق تأسیس نشده است و وقتی تأسیس شد دیگر امتحانی در کار نیست بنا بر این عرض می کنم که اگر ما بخوایم قضیه امتحان را تعقیب کنیم اولاً باید نسبت بمدرسه حقوق تفسیر فرائد بشویم که چه طور مدرسه است و علاوه مقامات لازم راهم تفسیر بکنیم که این مقامات لازم کجا است بنا بر این همه باید امتحان بدهند ولی اگر میگوئید مطابق نظامنامه امتحان عدلیه شاکردان مدرسه حقوق يك موادی را تحصیل می کنند که کافی است و باید از امتحان مستثنی باشند بنده عرض میکنم تحصیلات مدرسه سیاسی هم شامل این نظامنامه است و بنا بر این شاکردان آنجا باید مستثنی باشند دیگر اختیار با آقایان است

وزیر عدلیه - بنده بالاخره متحیرم که نماینده محترم ما این دو نظریه را باید اجرا شود بنا بر این بنده مکلف با اجرای این قانون هستم حالا قانون خوب یا بد است بآن کار ندارم اصلاح قوانین و التاوت تغییر و نسخ آنها از وظیفه مجلس شورای ملی است هر يك از نمایندگان محترم که این قانون را بدباندند موظف هستند بطریقی که مقرر است پیشنهاد بکنند یعنی بازنده نفر آن پیشنهاد را امضا می نمایند کمیسیون میترکات میرود اگر قابل توجه شد از کمیسیون میترکات میرود اگر قابل توجه شد از کمیسیون میترکات بمجلس شورای ملی می آید و در مجلس بمقابل توجه بودن آن

رای گرفته می‌خورد و اگر قابل توجه شد بکمیسیون مربوط بآن رجوع می‌شود و از کمیسیون مربوط بمجلس رایورت می‌دهند و مجلس رای می‌دهد وقتی رای داده داده شد شاه امضا می‌کند و آنوقت قانون می‌شود این طریق است که برای نسخ قانون مقرر شده ولی مادام که باین ترتیب جریان عمل نشده هر طریق دیگری اتخاذ شود اگر خارج از حدود قوانین باشد الزام و اجباری نخواهد داشت بازهم عرض میکنم موضوع مذاکره تغییر فتره چهارم ۱۴۷ این قانون است باینکه بقره به این ماده را می‌خوانم .

ماده ۱۴۷ رؤساء اعضاء معاکم و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه کلیه باید دارای شرایط و اوصاف ذیل باشند اولاً تابعیت ایران - ثانیاً دین اسلام ثالثاً سن که باید کمتر از فلان و فلان نباشد که بآنها کاری ندارم - رابعاً دادن امتحان علمی و عملی درانجهن امتحان وزارت عدلیه موافق پرگرامی که وزیر عدلیه مرتب و پس از گذشتن از مقامات لازمه طبع و اعلان خواهد کرد مادام که مدرسه حقوق تأسیس و اعضاء و اجزای برای معاکم و ادارات عدلیه تهیه نشده است این قسمت ماده قانون است و واجب الاجرا و خیلی هم مقدس است و هرکس هم تخلف از آن بکند باید از او بازخواست شود و منتها تبیری که ممکن است در این فتره بشود این است که گفته شود این مدرسه حقوق آن مدرسه حقوق نیست که در قانون ذکر شده والا تغییراتی که حتماً مدرسه سیاسی با دارالفنون یا مدرسه متوسطه یا عالی یا کلاس اکابر هم جزء این فتره چهارم است من نمی‌فهمم این تبیر از کجا است فرض کنیم مدرسه حقوق بدست منتهم در جلسات هدیده تصدیق کرده‌ام که این مدرسه حقوق دارای مرتبه و مقام خودش است و نهاده دادم پرگرام مدرسه حقوق را تهیه و تقدیم مجلس کنم و بالاتر از این و هده دادم که مواد امتحانیه یعنی همان موادیکه بر طبق آن اشخاصیکه میخواهند داخل در عدلیه شوند باید امتحان بدهند بیاروم مجلس در صورتیکه تصویب پروگرام از طرف مجلس لازم نیست و اصلاح پروگرام را مجلس نباید تصویب کند ولی من احتیاط کردم و گفتم مواد پروگرام و امتحان را هم بمجلس می‌آورم که شما ملاحظه کنید و هرچه می‌خواهید در جزه آن مواد امتحان بگذارید و نهایت درجه باین مسئله موافق و سمانند خواهم بود اگر مجلس شورای ملی یک مواد امتحانیه برای دخول در خدمت وزارت عدلیه تعیین کند خود بنده هم معتزفم که این ماده ۱۴۷ بد نوشته شده است و باید اصلاح شود زیرا برای تمام اعضاء عدلیه یکتونوع امتحان قائل شده است در صورتیکه عدلیه اعضاء مختلف

دارد و اعضاء عدلیه را باید بقضاة و مستخدمین عادی تقسیم کرد - زیرارتیس کابینه عدلیه بانیات و ضباط عدلیه بارتیس کابینه ضباط و ثبات سایر وزارتخانه‌ها هیچ فرقی ندارد مدرس - چرا فرق دارد وزیر عدلیه - یکنگدری فرق دارد ولی معنفاً باید اعضاء واجزاء آن را از هم تفکیک کرد و بدو قسمت ممتاز تقسیم نمود باید برای امتحان قضاة عدلیه درجات و اطلاعات عمیقی را قائل شد و باید امتحان آنها را سخت و شدید نمود زیرا مسنده قضاوت جای هر کس نیست فقط نشستن اشخاص نالایق بر مسند قضاوت است که قوه قضائیه ما را امروز مورد سرزنش قرار داده و مادام که ماسمی نکتم اشخاص سالم و صحیح العمل بر روی مسند قضاوت بنشینند مومق باصلاح قوه قضائیه خود نخواهیم شد پس مجلس شورای ملی باید در این زمینه بقدر توانائی بلکه فوق توانائی خودش اعمال نفوذ و قدرت کند حالوقتیکه همه ما این نظر را داریم من نمی‌دانم حرف در سر چیست اگر مدرسه حقوق ناقص است تکمیلش کنید مواد امتحانیه ناقص است باید تکمیل کنیم اما اینکه فرمودند مقامات لازمه کجا است و نظامنامه امتحانیه عدلیه هنوز آن مقامات لازم را طی نکرده بعقیده بنده مقصود مقنن و قانونگذار که نوشته است مقامات لازمه بتصویب مجلس نبوده است بلکه ممکن است مقامات لازمه خود وزارت خانه باشد یعنی فلان کمیسیون یا فلان هیئت ولی احتیاطاً بنده دست بالا را میگیرم و می‌گویم پروگرام را هم بمجلس می‌آورم که از تصویب مجلس بگذرد آنوقت می‌خواهید امتحان را هم شامل از اول تأسیس عدلیه بکنید مگر من گفتم نکنید در این باب هم هیچ تردیدی ندارم اما با تمام این مقدمات بطور یقین ها گردان مدرسه سیاسی مستثنی باشند من نمی‌فهمم و از تمام دنیا این مذاکرات که در این جلسه شده این قسمت برای بنده روشن نیست ولی در سایر قسمت ها بنده موافقم و هرچه از تصویب مجلس بگذرد البته اطاعت می‌کنم ولی این استثناء را من نمی‌دانم از کجای قانون پیدا میشود و اما اینکه در مجلس شورای ملی گفته شد اگر ما بخواهیم امتحان را شامل مدرسه سیاسی بکنیم و هنی است که بدیلم دولت وارد می‌آید بنده عرض می‌کنم هیچ‌وهنی نسبت بدیلم نباید تصور کرد برای اینکه شاگردان مدرسه سیاسی و مدارس دیگر برای خدمات عمومی مملکت باید دارای معلومات باشد بنابراین مدرسه سیاسی که بالاخصاص برای یک سنج از خدمات مسخر مخصص وزارت خارجه است تأسیس شده و لازم بامتحان هم نیست ولی ممکن است خدمت در وزارت عدلیه محتاج بیک شرایط خاصی باشد که هیچ مدرسه آن شرایط را

نداشته باشد قاضی بودن در وزارت عدلیه لازمه اش شرایط است که هنوز هیچ مدرسه در ایران آن شرایط را دارا نیست پس اگر ما این شرط را بطور خصوصی قائل بشویم چه وهنی بدیلم مدرسه سیاسی وارد میشود بلکه بدیلم فرق دارد بدیلم شاگرد ابتدائی را هم دولت امضاء میکند پس باید بگوئیم اگر فارغ التحصیل های مدرسه ابتدائی را بخواهیم امتحان کنیم قوانین بامضای دولت است پس از این حیث هم ایرادی وارد نیست یک فرمایشی هم آقای زنجانی فرمودند که بقین دارم خودشان هم کاملاً فرمایشات خودشان موافق نیستند و آن این است که وظیفه مستخدمین عدلیه را بوظیفه فراش باشی ها و حکام تنزل دارند منتھی به ترتیب رفورمه یقین دارم خود ایشان هم این نظر را ندارند و معتقدند که وظایف مأمورین و قضاة عدلیه تفاوت زیادی با وظایف مأمورین سابق و حکام دارد بهر جهت مطالب خود را خلاصه میکنم و عرض میکنم اگر مجلس شورای ملی بخواهد فقره چهارم ماده ۱۴۷ را اینطور تفسیر کند که فارغ التحصیل های مدرسه حقوق هم از امتحان معاف نیستند و مادام که پرگرام مدرسه حقوق مرتب نشده است امتحان باید شامل آنها هم باشد بنده موافقم ولی استدعا میکنم در ضمن اظهار عقیده اگر آقایان می‌خواهند قائل بمعافیت بشوند این معافیت را استخراج از فقره چهارم این ماده نفرمایند و اگر هم مایل هستند بخواهند به ترتیب مقرر قانونی را تغییر بدهند من موافق هستم و مطابق وعده که دادم مواد پروگرام مدرسه حقوق و مواد امتحانیه را بمجلس شورای ملی می‌آورم که تصویب بکند و تکلیف معلوم باشد رئیس - آقای امین الشریعه (اجازه)

امین الشریعه اولاً بنده معتقدم که حقایق یکی است نهایت در تعبیر اختلافی در الفاظ پیدا میشود که ناچار هر یک از موافقین در یک حقیقی پایک بیاناتی اظهار عقیده می‌کنند در صورتیکه روح و معنی و اصل یکی است ولی تبیرو طرز بیان فرق میکند که ممکن است از طرز یک بیانی بعضی مغالفتین مجاب شوند اما اصل موضوع تفسیر فقره چهارم از ماده ۱۴۷ ولی بعضی مطالب در اینجا گفته شده است که باید تحقیق بشود و قدری منتق و شرح بشود که این مدرسه حقوق و سیاسی چه فرقی دارند بعد از آنکه فرق آنها معین شد تصدیق خواهند فرمود باینکه نظر قانونگذار که ذکری از مدرسه سیاسی نکرده است چه بوده است بنده معتقدم که مدرسه حقوق مدرسه سیاسی فرقی ندارند و باید هر دو در امتحان حاضر شوند و نظر وزیر عدلیه را هم تعجب و تقدیس میکنم و ایشان را هم بکوزیری می‌دانم که حاضرند ماده قانون را اجرا کنند حقوق باعتبار متعلقش اقسام زیاد دارد حقوق خصوصی و حقوق عمومی خارجی حقوق عمومی داخلی حقوق اقسام متعدد دارد که علمای حقوق می‌دانند پس مدرسه حقوق عبارتست از تعلیم گرفتن کلیه علومی که متعلق بحقوق است و از جمله تعلیم حقوقی است که راجع بوظایف سیاسی میشود مگر اینکه معنای سیاست و حقوق را هم بگیریم و بگوئیم دو لفظ مترادف است و اگر غیر از این فرض کنیم آنوقت سیاست هم آقای زنجانی فرمودند که بقین دارم خودشان هم کاملاً فرمایشات خودشان موافق نیستند و آن این است که وظیفه فراموشا خودشان موافق نیستند و آن این است که وظیفه مستخدمین عدلیه را بوظیفه فراش باشی ها و حکام تنزل دارند منتھی به ترتیب رفورمه یقین دارم خود ایشان هم این نظر را ندارند و معتقدند که وظایف مأمورین و قضاة عدلیه تفاوت زیادی با وظایف مأمورین سابق و حکام دارد بهر جهت مطالب خود را خلاصه میکنم و عرض میکنم اگر مجلس شورای ملی بخواهد فقره چهارم ماده ۱۴۷ را اینطور تفسیر کند که فارغ التحصیل های مدرسه حقوق هم از امتحان معاف نیستند و مادام که پرگرام مدرسه حقوق مرتب نشده است امتحان باید شامل آنها هم باشد بنده موافقم ولی استدعا میکنم در ضمن اظهار عقیده اگر آقایان می‌خواهند قائل بمعافیت بشوند این معافیت را استخراج از فقره چهارم این ماده نفرمایند و اگر هم مایل هستند بخواهند به ترتیب مقرر قانونی را تغییر بدهند من موافق هستم و مطابق وعده که دادم مواد پروگرام مدرسه حقوق و مواد امتحانیه را بمجلس شورای ملی می‌آورم که تصویب بکند و تکلیف معلوم باشد رئیس - آقای امین الشریعه (اجازه)

نشود همین طور که اشاره کردند قضاوت شان حاکم شرع و شان مجتهد مسلم جامع الشرايط و عدلیه جای قضاوت نیست اعضاء هم قضاوت نمی‌کنند وظیفه اعضاء عدلیه تطبیق مصادیق است با مفاهیم و قوانین دینی و باید مصادیق وارده در معاکم را اعضاء عدلیه با مفاهیم قوانین دینی تطبیق کنند پس بنابراین باید دارای فهم قانون باشند تا بتوانند آن مصادیق را که پیش آنها می‌آورند با مفاهیم قانون و احکام شرعی تطبیق کنند این وظیفه اجزاء عدلیه است و قضاوت در امور شرعیه کار اینها نیست چنانچه در قانون هم موارد ارجاع بشرع و خلف و اخلاف و غیره را خارج کرد و اصول معینی است که در عدلیه رسیدگی نمی‌شود ولی وظیفه اجزاء عدلیه را هم نمی‌شود سهل شمرده بنده معتقدم کدر این موضوع آقایان و کلا خیلی صحبت بدارند برای اینکه همین مقام است که حقوق سی کرور ملت را می‌تواند یک تسامعی در معرض تضییع بگذارد و همین مقام است که بتوجه آقایان وزرا و و کلا می‌تواند حقوق سی کرور ملت را حفظ کند پس اگر دو روز سه روز هم در این خصوص صحبت شود نه از باب فلان مدرسه یا بهمان است این باب اهمیت موضوع و اصل مطلب است که راجع باصلاح قوه قضائیه است و خیلی مهم است و تمام فریادهای اهل عالم منتھی بحفظ حقوق می‌شود و حفظ حقوق هم در عدلیه خواهد بود پس بنابراین قضاوت در عدلیه نباید باشد اما اعضاء عدلیه تا فهم قانون نداشته تا تحصیل علوم حقوقی نکرده باشند نمی‌توانند مصادیق را با قانون تطبیق کنند تا فقه نخوانده باشند و تمام مسائل فقه و شرح را ندانند نمی‌توانند احکام و مدارك شرعیه را کروی میز داده میشود بفهمند تا بحقیقت واقع و تطبیق کنند و حق از باطل تمیز داده شود فریادهای حضرت والا بلند می‌شود که باید بامتياز فعلی معتقد بود چایش همین جا است بنده عرض میکنم باید آقایان خیلی توجه کنند بامتحان آن امتحان هم بلا استثنا میشد این اول قسم اصلاح است زیرا مسئله متعلق به پنج نامبر و صد نفر نیست راجع بمعاکمه است که حقوق تمام افراد باید در آن جا تشخیص و تعیین شود پس بقدریقت جمیع ملت ایران باید باین موضوع اهمیت داد و امتحان نیشود کسی را مستثنا نمود اما آنچه راجع به دیپلم های مدارس سند امتحان است و در نزد ملت محترم است ما همیشه تشویق می‌کنیم اولاد های ایران را بتعلیم و تلمو پیدا کردن راه ترقی و مدارج علمی (خدا انشاء الله بآنها توفیق بدهد) ولی در عین حال باید حفظ جامعه را هم بکنیم دیپلم مدارك تحصیلات و سند امتحان است ولی بدو وجهه نمی‌شود این دیپلم ها را سند فراوان

زیر اینک جهت صوری دارد و یک جهت معنوی اما جهت صوری این است که قانوناً صریحاً میگوید امتحان باید در انجمنی باشد که وزیر عدلیه معین کند با این قید که صورتاً در قانون هست نمی‌شود آنرا تغییر بدیلم کرد این جهت صوری مهم و مقدس است و اینکه میگویم صوری برای این است که مجلس اگر بخواهد تغییر بدهد می‌تواند اما جهت معنوی که خیلی مهم است این است که آقایانی که در مدارس سیر کرده اند و توجیهاتی داشته‌اند بهتر میدانند چه عرض میکنم ده یا پانزده شعبه یا بیشتر یا کمتر که در پرگرام تحصیل یک مدرسه است از قبیل علوم و صرف منطق معانی بیان حکمت فلسفه قدیم و جدید حساب و غیره اینها اغلب علوم است که ما سابق می‌خواندیم و از یکدیگر تفکیک کرده‌اند و حال آنکه اغلب این علوم را سابقاً در تحت یک علم تحصیل می‌کردیم بهرحال یک شخص ممکن است در موقع امتحان از چهارده یا پانزده شعبه مواد تحصیل از هفده چند رشته آن بخوبی برآمده باشد فقط در یک رشته خوب نتوانسته است امتحان بدهد آنوقت قطعاً ناظم و مدیر هیئت متخین مدرسه راضی نمی‌شوند دیپلم شاگردی را که متجاوز از چندین سال زحمت پاریاضت کشیده یا سخت ترین شادانه تحصیل کرده برای اینکه در یک شعبه نتوانسته است بطوبی از هفده امتحان بر آید توقیف کنند و در واقع نتیجه زحمت چندین ساله ویرا برایگان بدهند اتفاق شاید همان رشته که نتوانسته است بطوبی امتحان بدهد رشته مبتلا بدلیه باشد و آن رشته ممکن است فقه باشد و چون هرچیزیکه در نظر قانون گذار احتمال را پیدا کرد باید جلو او را سد کرد پس عدلیه که مرجع رسیدگی بمعاکم حقوقی است و تشخیص حقوق و تمیز حق را از باطل باید بدهد باید اعضاء آن دارای آن فن باشند و باید در آن علم تخصص داشته باشند که کاملاً بتوانند حق را از باطل تمیز داده و تطبیق قوانین هر فنی را با قوانین اسلامی بنمایند که در نتیجه حقوق جامعه معفوظ و مصون باشد پس این نمی‌شود مگر اینکه آن دروس را کاملاً تکمیل کرده باشند اینجا است که قانون گذار برای امتحان اعضاء وزارت عدلیه یک هیئت متحنه از متخصصین فن تشکیل داده که اعضاء وزارت عدلیه درجه معلومات و فضائل آنها را مقایسه کنند والا ممکن بود همانوقت صاحبان دیپلم تشریف بیاورند بروند آن فنون و علوم را که معصن وزارت عدلیه است و انحصار بدلیه دارد اگر در روز امتحان بود امتحان بدهند پس نظر

باین مقدمات نمی‌شود هیچ کس را در امتحان مستثنی کرد در جمیع مواد و فنون باید مسئله امتحان کاملاً جاری و ساری گردد و متحنین هر علمی باید بصورت عالم آن فن باشد طلا را چه امتحان میکنند (معاکم) فلاکنس که در علم ماغین و جرح سازی متخصص است او باید تشخیص ادوات و ابزار ماشین سازی را داده داوطلبان آن را امتحان بنماید پس علوم هم که برای عدلیه لازم است باید متخصصین فن امتحان کنند و همان هیئتی که در وزارت عدلیه معین میشود تشخیص مملوآت اعضاء را بدهند و نظر باینکه انشاء الله ما امیدواریم محاکمات اتباع خارجه هم در عدلیه واقع شود لهذا باید جمع فنون حقوق راجع باصول معاکم داخلی و خارجی را تمام اعضاء عدلیه بخوبی بدانند که مادر آتی بدینا بتوانیم بگوئیم ماهم یک عدلیه منظمی داریم و همه معاکمات اتباع خارجه در عدلیه ما باید بشود آقا سید یعقوب - معاکمه خارجه حاله در عدلیه میشود امین الشریعه - انشاء الله باید همین طور باشد رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه) سلیمان میرزا - هر چند آقایان در این خصوص آنچه ممکن بود فرمودند اما آنجا که توبت بنده رسیده و باید با اظهار عقیده کنم البته اجازه میفرمایند چند کلمه در اطراف این قضیه عرض کنم منتھی این است بآن ترتیبی که اظهار فرمودند بنده مرتباً جواب داده عرض نمی‌کنم و از آخر جواب عرض میکنم اولاً اینکه آقای وزیر فرمودند معاصیلن مدرسه سیاسی تقاضا نامه امتحان داده اند البته غیر از این هم از شاگرد تحصیل کرده مدرسه سیاسی که حقوق خوانده است نباید متوقع بود شاگردان مدرسه سیاسی و هوم شاگردان البته افتخارشان این است که قوانین جاریه مملکتی و احکام وزارتتی را اطاعت کنند و البته وقتی از طرف وزارت عدلیه راجع به تقاضا نامه امتحان اهلائی میشود باید قبول کنند اما این دادن تقاضا نامه آنها مسئله اساسی را از بین نیبرد زیرا خواهشا گردان مدرسه سیاسی جزء عدلیه بودند خواهند بودند باز بنده در یک همچو موغی خواه از نقطه نظر طرفنداری معارف این مطلب را اینجا مطرح کرده و فریاد میزدم از طرفی همه ما میگوئیم وظیفه ما این است که حفظ حقوق قاطبه را بکنیم و امتیاز فضلی را قبول نمائیم اما کجا بنده نمی‌دانم شاید آن دنیا والا در این دنیا و این مملکت که بنده هیچ امتیاز و فضلی نه می‌بینم و می‌بینم سکه نقش غیر ما

انزل الله توضیح این ماده مسئله دیپلم را هم حل بکنیم راجع باین مطالبی که آقایان صحبت فرمودند که شرایط قاضی چه چیز انزل الیه می‌شود نه اینجا بلکه در خارج من صاف عرض می‌کنم همینقدر که اینجا مذاکراتی می‌شود در خارج یک چیز های دیگری صحبت می‌شود حالا باید است اعضاء عدلیه حق قضاوت دارند یا ندارند و شرایط آن چیست اینها را آقایان صحبت کردند و مجالاً ببیند مربوط نیست والبته همانطور است که فرمودند حالا بآن بنده کاری ندارم موضوع این است که اشخاصیکه می‌خواهند در عدلیه وارد شوند شرایط عضوت عدلیه چه چیز است بنده عرض می‌کنم یک قوانینی نوشته شده و چند ماده برای شرایط ورود در عدلیه نوشته شده اعضاء عدلیه هم همانطور که خود آقای وزیر فرمودند شرایط امتحان شان هم باید فرق داشته باشد مثلاً منشی بیخشد متی و قاضی نباید شرایط امتحان شان یکی باشد چه هر کدام بایستی دارای معلوماتی که درخور شغل آنهاست باشند مثلاً رئیس صندوق عدلیه نباید دارای شرایط قضاوت باشد باید معاصبات و دفتر داری را خوب بداند حالا بنده بآن موضوع کار ندارم در موضوع جزء چهارم این ماده که می‌گویند قائل تفسیر است یا نه اگر اجازه می‌فرمائید بطور کلی عرض کنم در دنیا و سایر مسائل همچو نیست که هر وزارتخانه کار وزارت معارف را بکنند یعنی در هر وزارتخانه اطاق امتحانی تشکیل بدهند و کسانی را که میخواهند مستخدم ادارات شوند آنجا امتحان کنند و پس از آن در ادارات پذیرفته شوند اگر مملکت ما دارای مدارس زیاد بود و معارف بعد کمال و اوج ترقی رسیده بود حالا این ماده هیچ مورد بحث و مطالعه واقع نمیشود زیرا امتحان مخصوص وزارت معارف است و در واقع وزارت معارف بمنزله تأسیس است که هر قدر برای وزارت عدلیه یا وزارت های دیگر معلومات لازم باشد او تهیه می‌کند حالا می‌خواهد این مدرسه بقول آقای زنجانی مدرسه کمال یا فضیلت باشد یا سیاسی یا حقوق باشد هیچ فرق نمی‌کند و همانطور که آقای تدین فرمودند ما کاری بمدرسه مخصوصی نداریم شاخ کل هر جا که میروید گل است ما بمعلومات و فضائل اشخاص کار نداریم و تنها منظور نظر ما تحصیل و دانش است می‌خواهد در مدرسه فضیلت یا مدرسه سیاسی یا فرضاً در چهار دیوار مدرسه حکماک تحصیل کرده باشد فرضاً اگر یکی فقیراً در عراق هرب خوانده باشد و دیگری در مدرسه از مصر و دیگری در کربلا هر سه هم از متخصصین تصدیق نامه راجع به فقیه و مجتهد بودن خود در دست واقعه

باشند و متخصص العلم تصدیق کرده باشد که آنها فقیه و مجتهد هستند آیا آنوقت ما باید بگوئیم آنکه در نجف تحصیل کرده است اخس است . خیر . بعقیده بنده فرق ندارد همه یکسانند هر کس آن معلومات را آورده و شرایط اجتهاد را واجد بود باید معز نظر باشد و چهار دیوار و آب و هوای مناسب اعتبار نیست . لذا بعقیده بنده همانطور که آقایان فرمودند باید امتیاز فضل را قائل و معتقد شد ما از يك نفر عضو عدلیه يك معلومات معینی که در ورقه امتحانیه قید شده است می خواهیم حالا نظامنامه صحیح یاقیم او را کنار می گذاریم . اگر شما امروز يك نفر معاسب می خواهید اعلان می کنید که يك نفر معاسب می خواهید و هر کس در هر گوشه دنیا و انظار عالم درس خوانده باشد همین که از يك مدرسه دفتر داری و حساب تصدیق آورد و بشما ارائه داد دیگر بعقیده بنده محتاج امتحان ثانوی نیست اگر ما این اصل را قبول نکنیم صاف عرض می کنم که معارف ما ترقی نخواهد کرد بنده کار ندارم که این شرایط امتحانیه خیلی کم یا زیاد است ممکن است اگر کم است آقایان زیادتر بنویسند ولی اگر فرضاً در يك موقعی گفته شد ریاضیات لازم است یک نفر شاگردی که دیپلم آورد و گفت من در ریاضیات تخصص دارم گمان میکنم دیگر امتحان مجددی لازم ندارد شاگرد مدرسه سیاسی را وزارت خارجه و وزارت علوم امتحان کرده و تصدیق داده اند و همانطور که آقای تدین اظهار فرمودند تمام مواد تحصیلات مدرسه سیاسی مامم علاوه بر آن چیز است که برای عضویت در وزارت عدلیه لازم است دیگر چه امتحان باید از آنها بشود حالا بعضی از آقایان فرمودند اگر واقف آن علوم را تحصیل کرده و حالا هم میدانند دو مرتبه امتحان بدهد چه اهمیت دارد بنده هم می گویم يك حجة الاسلامی که از نجف می آید و يك ورقه تصدیق هم در دست دارد و می گوید مجتهد آنوقت در هر جا که وارد بشود و بخواهد حکمت و طبیعیات . تاریخ شراعه . و فرانسه ر تحصیل کرده و از عهده امتحان بخوبی برآمده است .

دیگر چه می گوئید هیئت امتحانیه هم حکه فردا در عدلیه تاسیس میشود همین علوم را میخواهد غیر از این که دیگر چیزی نیست .

اگر آقایان تصدیق میفرمایند که این دروس مفصلی که اینجا عرض شد برای یک نفر شاگرد که سالها زحمت کشیده کافی است دیگر محتاج امتحان ثانوی نیست و اگر هم میگویند خیر کم است و باید همه از روی پروگرام جدیدی امتحان بدهند و مواد پروگرام امتحانیه آنرا هم باید به

مجلس بیاورند این يك مسئله دیگری است و تا آن قانون از طرف وزیر پیشنهاد نشده و از مجلس نگذشته دیگر موردی برای امتحان باقی نیست و الا اگر امتحان در تحت این مواد است که شاگرد مدرسه سیاسی یا مدرسه مصر یا مدرسه حقوق هر چه اسمش را بگذاریم و در هر جا درس خوانده باشد همین قدر که این مواد را تحصیل کرده باشد و تصدیق نامه در دست داشته باشد که يك دوره فقه خوانده است کافی است ، و دیگر امتحان ثانوی لازم نیست و الا اگر این ترتیبی که میفرمایند اجرا شود و ادامه پیدا کند دیگر کسی به میل و رضا عقب تحصیل نمیرود ، مسئله دیگری که آقای وزیر فرمودند که معصیلین شش ساله هم فردا ممکن است همین فریاد را کرده و خود را از دادن امتحان معاف و مستثنی بدانند این مسئله طرف مقابله نیست بنده برآمده و يك رشته دیگر را چنانچه باید و شاید نتوانسته است امتحان بدهد و نظر باینکه اغلب موارد امتحان داده و بخوبی از عهده برآمده است لذا باو تصدیق نامه داده اند و نیز اشاره فرمودند که ممکن است آن رشته که نتوانسته است از عهده بر آید شاید همان رشته ماباه احتیاج عدلیه باشد و باین نظر نباید آن دیپلم را قبول کرد و مناط اعتبار قرارداد بنده هم همین مسئله را در باره فلان حجت الاسلام عرض میکنم و میگویم ممکن است او هم که اسمش مجتهد و دارای تصدیق است از عهده یکی از اصول احکام شرعیه مثلا معاملات یا دیات یا یکی از آنها بر نیامده باشد خوب امتحان نداده باشد یعنی چه

این يك سفسطه و سوسططای است که اساس ندارد اگر شما اشخاصی که این ورقه را امضاء کرده اند و این تصدیق نامه را بشاگرد داده اند قبول دارید و آنها را لایق میدانید که از طرف آنها تصدیق شده این شاگرد تاریخ جدید و یا تاریخ معاصر . حقوق بین الملل . حقوق اسلامی . فقه اسلامی ، علم شریعت . قوانین ممالیه . اصول معاکات ، منطق ، ادبیات ، فارسی و طبیعیات . تاریخ شراعه . و فرانسه ر تحصیل کرده و از عهده امتحان بخوبی برآمده است .

دیگر چه می گوئید هیئت امتحانیه هم حکه فردا در عدلیه تاسیس میشود همین علوم را میخواهد غیر از این که دیگر چیزی نیست .

اگر آقایان تصدیق میفرمایند که این دروس مفصلی که اینجا عرض شد برای یک نفر شاگرد که سالها زحمت کشیده کافی است دیگر محتاج امتحان ثانوی نیست و اگر هم میگویند خیر کم است و باید همه از روی پروگرام جدیدی امتحان بدهند و مواد پروگرام امتحانیه آنرا هم باید به

مجلس تصدیق و ترغیب کنی و دانشمند در آتیه زیاد شوند باید هر یک تصدیق نامه و دیدیم ارائه داد باید او را بر سر گذاشت بعقیده بنده برای پیشرفت معارف اولین قدم ترقی قبول دیپلم و دیپلم را مقدس و محترم بشماریم و درین من فرق ندارد که يك حجة الاسلامی بيك آقا شهادت نامه میدهد آن حجة الاسلامی چه در ایران باشد یا عراق هرب باشاگر نمی کند زیرا محل او مناط نیست بلکه فضیلت مناط است . پس اگر ما مدرسه سیاسی که این تصدیق نامه را کرده اند قابل میدانیم باید اجازه نام آن را قبول کنیم و اگر قابل ندانیم و بگردد خیر معلم نیستند آن مطلب دیگری است صریحاً عرض میکنم که این مسئله نام شاگردان را مایوس از تحصیل میکند و بخودشان خواهند گفت در مملکتی که در نتیجه ندارد برای چه قبول زحمت تحصیل کنیم در صورتیکه امروز ترقی معارف ما است و باید بعضی از اینها را در دست داشته باشند کافی است یعنی اگر شاگردی اظهار لیاقت و قابلیت کرد و تصدیق نامه ارائه داد که آنرا چند نفر از اهل فن امضاء نموده باشند بعقیده بنده از امتحان معاف است .

رئیس — اگر آقایان موافقت کنند هستم آنوقت دیگر هیچ اینها لازم نداریم هیچ امتحانی در وزارت عدلیه لازم نیست و در اینجا که نوشته است که مدرسه حقوق برای تهیه اعضاء عالی تاسیس نشده است یعنی اگر فرضاً مدرسه حقوق تاسیس شد و پروگرام او را در مجلس قبول کردند که این تحصیل برای عضویت عدلیه است ، در آن صورت هر کس تصدیق نامه در دست داشته باشد محتاج امتحان ثانوی نیست . و اشکال آقای امین الشریع را که باید در انجمن عدلیه امتحان داده قبول ندارم .

امین الشریعه - قانون این طریقی می گوید .

سلیمان میرزا - بلی قانون برای آن کسیکه تحصیل نکرده باشد برای آقایانیکه تازه تقاضا نامه داده اند اگر آن قانون است سطر زیرش هم قانونی است که می نویسد مادام که مدرسه عالی برای ادارات عدلیه تاسیس نشده است امتحان لازم است در هر حال بعقیده بنده تفسیر این ماده باید این طور باشد که چند نفر از آقایان نمایندگان پیشنهاد کرده و تقدیم مجلس می نمایند حالا ما معطل موکول بنظر اکثریت مجلس هستیم و همان طور که مکرر گفته ام اصل حکومت شوروی قبول کردن را می گویند و اطاعت برای اکثریت است و

باید داد خود را بزند و مطالب خود را اظهار کند و ضمناً رای خودش را هم بدهد ولی رای اکثریت مناط اعتبار است در هر حال نظر بنده این است که تصدیق و دیدیم از هر مدرسه که باشد در صورتیکه تحصیلات آنها مطابق با تحصیلاتیکه برای عدلیه لازم است بشماریم و مطابق پروگرام هم امتحان داده باشد دیگر امتحان مجدد لازم نیست بنا بر این تفسیریکه ما برای آن جزو چهارم خیال کرده ایم بهتر است در این پیشنهاد نوشته شده که الان قرائت میکنم امضاء کنندگان ذیل عقیده دارند تفسیر جزء چهارم از ماده ۱۴۷ قانون اصول تشکیلات عدلیه این است که معهود از مدرسه حقوق مدرسه ایست که مواد تحصیلاتی آن با مواد نظامنامه امتحانیه وزارت عدلیه مطابقت کامل داشته و فارغ التحصیلان آن در دست و زبان قضات محاکم است و حکم شرع شریف و شارح مقدس در این باب و این امر بزرگ با عدول مجتهدین جامع الشرایط و قضات است مصداق توفیق رفیع حضرت عسکری علیه السلام فقیه عادل نافذ الحکم است الراد علیه کالراد علی الله خود حضرت ولایت مرتبت شریع قاضی می فرماید لایجلس هذا المجلس الانبی او ازوصی نبی او شتی و نیز روایت احتجاج و مقبوله عمر ابن حفظه و فیره و آیه شریفه و من لم یحکم بما انزل الله فالولک هم الفاسقون هم الکاذبون هم الکافرون .

پس بنا بر این اصول و ادله شرعیه و آیه چنین است قوه قضائیه شرعاً مختص است ب عدول مجتهدین و اما قانوناً در اصل دوم قانون اساسی مبین است که در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مغالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله نداشته باشد و در اصل ۲۷ که قوای مملکت بسه شبه تجزیه و تفکیک میشود شنبه دوم قضائیه و حکمی که عبارت از تیز حقوق و این قوه مخصوص است بمعاکم شرعیه در شریات و اصل ۲۷ دیوان عدالت هظمی و معاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضات در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرایط است لهذا اظهاری عقیده مینمایم که باید اوطلبان برای دخول بمعاکم عدلیه و جلوس بسمند قضات و علماً و علما متحن باشند و امتحان در محضر شریف یکی از فقهای عظام و حجج اسلام کثرا الله تعالی امناهم داده باشند و لاقول یکدوره شرایع و یا کتاب قضا و شهادت و قصاص و دیات را دیده باشند و الا بهیچوجه من الوجوه شرعاً و قانوناً غیر این قسم که از امتحان بدهند در صورتی که در قانون اصول تشکیلات عدلیه هم تعرض شده است امتحانات بدهند این نوع اشخاص قابل و لایق نیستند واستحقاق و صلاحیت از برای این مقام شریف ندارند و نمیشود اعراض و نوامیس و دماغم مسلمان را بعهده اشخاص غیر صالح و لایق گذارد و نیز در خانه تکراراً عرض مینمایم باید

در این موقع بر حسب وظیفه و اسقاط تکلیف شرعی لابد و لاعلاج است عقیده شخصی و سیاسی خود را عرض و اظهار نماید از نقطه نظر حفظ مقام دیانت و روحانیت قابل توجه و تعقیب است فقره چهارم ماده ۱۴۷ قانون اصول تشکیلات عدلیه که وزارت عدلیه باید به مجلس مقدس تقدیم مینماید و راجع باعضای محاکم در ماده مزبور موضع و مصرح است (دادن امتحانات علمی و عملی) چون اموال دماء و اعراض و نوامیس مسلمین در دست و زبان قضات محاکم است و حکم شرع شریف و شارح مقدس در این باب و این امر بزرگ با عدول مجتهدین جامع الشرایط و قضات است مصداق توفیق رفیع حضرت عسکری علیه السلام فقیه عادل نافذ الحکم است الراد علیه کالراد علی الله خود حضرت ولایت مرتبت شریع قاضی می فرماید لایجلس هذا المجلس الانبی او ازوصی نبی او شتی و نیز روایت احتجاج و مقبوله عمر ابن حفظه و فیره و آیه شریفه و من لم یحکم بما انزل الله فالولک هم الفاسقون هم الکاذبون هم الکافرون .

پس بنا بر این اصول و ادله شرعیه و آیه چنین است قوه قضائیه شرعاً مختص است ب عدول مجتهدین و اما قانوناً در اصل دوم قانون اساسی مبین است که در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مغالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله نداشته باشد و در اصل ۲۷ که قوای مملکت بسه شبه تجزیه و تفکیک میشود شنبه دوم قضائیه و حکمی که عبارت از تیز حقوق و این قوه مخصوص است بمعاکم شرعیه در شریات و اصل ۲۷ دیوان عدالت هظمی و معاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضات در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرایط است لهذا اظهاری عقیده مینمایم که باید اوطلبان برای دخول بمعاکم عدلیه و جلوس بسمند قضات و علماً و علما متحن باشند و امتحان در محضر شریف یکی از فقهای عظام و حجج اسلام کثرا الله تعالی امناهم داده باشند و لاقول یکدوره شرایع و یا کتاب قضا و شهادت و قصاص و دیات را دیده باشند و الا بهیچوجه من الوجوه شرعاً و قانوناً غیر این قسم که از امتحان بدهند در صورتی که در قانون اصول تشکیلات عدلیه هم تعرض شده است امتحانات بدهند این نوع اشخاص قابل و لایق نیستند واستحقاق و صلاحیت از برای این مقام شریف ندارند و نمیشود اعراض و نوامیس و دماغم مسلمان را بعهده اشخاص غیر صالح و لایق گذارد و نیز در خانه تکراراً عرض مینمایم باید

علماً و علما امتحان داد داهای شریعتمدار کرمانی .

رئیس - پیشنهاد دوم قرائت میشود (ب شرح آتی قرائت شد) امضاء کنندگان ذیل عقیده دارند تفسیر جزء چهارم از ماده ۱۴۷ قانون اصول تشکیلات عدلیه اینست که معهود از مدرسه حقوق مدرسه ایست که مواد تحصیلاتی آن با مواد نظامنامه امتحانیه وزارت عدلیه مطابقت کامل داشته و فارغ التحصیلان آن در دست و زبان قضات محاکم است و حکم شرع شریف و شارح مقدس در این باب و این امر بزرگ با عدول مجتهدین جامع الشرایط و قضات است مصداق توفیق رفیع حضرت عسکری علیه السلام فقیه عادل نافذ الحکم است الراد علیه کالراد علی الله خود حضرت ولایت مرتبت شریع قاضی می فرماید لایجلس هذا المجلس الانبی او ازوصی نبی او شتی و نیز روایت احتجاج و مقبوله عمر ابن حفظه و فیره و آیه شریفه و من لم یحکم بما انزل الله فالولک هم الفاسقون هم الکاذبون هم الکافرون .

مقصود از فقره چهارم ماده ۱۴۷ راجع ب مدرسه حقوق این است که فارغ التحصیلان آن در دست و زبان قضات محاکم است و حکم شرع شریف و شارح مقدس در این باب و این امر بزرگ با عدول مجتهدین جامع الشرایط و قضات است مصداق توفیق رفیع حضرت عسکری علیه السلام فقیه عادل نافذ الحکم است الراد علیه کالراد علی الله خود حضرت ولایت مرتبت شریع قاضی می فرماید لایجلس هذا المجلس الانبی او ازوصی نبی او شتی و نیز روایت احتجاج و مقبوله عمر ابن حفظه و فیره و آیه شریفه و من لم یحکم بما انزل الله فالولک هم الفاسقون هم الکاذبون هم الکافرون .

پس بنا بر این اصول و ادله شرعیه و آیه چنین است قوه قضائیه شرعاً مختص است ب عدول مجتهدین و اما قانوناً در اصل دوم قانون اساسی مبین است که در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مغالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله نداشته باشد و در اصل ۲۷ که قوای مملکت بسه شبه تجزیه و تفکیک میشود شنبه دوم قضائیه و حکمی که عبارت از تیز حقوق و این قوه مخصوص است بمعاکم شرعیه در شریات و اصل ۲۷ دیوان عدالت هظمی و معاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضات در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرایط است لهذا اظهاری عقیده مینمایم که باید اوطلبان برای دخول بمعاکم عدلیه و جلوس بسمند قضات و علماً و علما متحن باشند و امتحان در محضر شریف یکی از فقهای عظام و حجج اسلام کثرا الله تعالی امناهم داده باشند و لاقول یکدوره شرایع و یا کتاب قضا و شهادت و قصاص و دیات را دیده باشند و الا بهیچوجه من الوجوه شرعاً و قانوناً غیر این قسم که از امتحان بدهند در صورتی که در قانون اصول تشکیلات عدلیه هم تعرض شده است امتحانات بدهند این نوع اشخاص قابل و لایق نیستند واستحقاق و صلاحیت از برای این مقام شریف ندارند و نمیشود اعراض و نوامیس و دماغم مسلمان را بعهده اشخاص غیر صالح و لایق گذارد و نیز در خانه تکراراً عرض مینمایم باید

می توانیم رای بگیریم و این دو پیشنهاد تقریباً مضمونش یکی است و جزئی فرق دارد و هر دو در مرتبه قرائت میشود .

(دوی پیشنهاد بضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد دومی - امضاء کنندگان ذیل عقیده دارند تفسیر جزء چهارم از ماده ۱۴۷ قانون اصول تشکیلات عدلیه اینست که معهود از مدرسه حقوق مدرسه ایست که مواد تحصیلاتی آن با مواد نظامنامه امتحانیه وزارت عدلیه مطابقت کامل داشته و فارغ التحصیلان آن در دست و زبان قضات محاکم است و حکم شرع شریف و شارح مقدس در این باب و این امر بزرگ با عدول مجتهدین جامع الشرایط و قضات است مصداق توفیق رفیع حضرت عسکری علیه السلام فقیه عادل نافذ الحکم است الراد علیه کالراد علی الله خود حضرت ولایت مرتبت شریع قاضی می فرماید لایجلس هذا المجلس الانبی او ازوصی نبی او شتی و نیز روایت احتجاج و مقبوله عمر ابن حفظه و فیره و آیه شریفه و من لم یحکم بما انزل الله فالولک هم الفاسقون هم الکاذبون هم الکافرون .

مقصود از فقره چهارم ماده ۱۴۷ راجع ب مدرسه حقوق این است که فارغ التحصیلان آن در دست و زبان قضات محاکم است و حکم شرع شریف و شارح مقدس در این باب و این امر بزرگ با عدول مجتهدین جامع الشرایط و قضات است مصداق توفیق رفیع حضرت عسکری علیه السلام فقیه عادل نافذ الحکم است الراد علیه کالراد علی الله خود حضرت ولایت مرتبت شریع قاضی می فرماید لایجلس هذا المجلس الانبی او ازوصی نبی او شتی و نیز روایت احتجاج و مقبوله عمر ابن حفظه و فیره و آیه شریفه و من لم یحکم بما انزل الله فالولک هم الفاسقون هم الکاذبون هم الکافرون .

پس بنا بر این اصول و ادله شرعیه و آیه چنین است قوه قضائیه شرعاً مختص است ب عدول مجتهدین و اما قانوناً در اصل دوم قانون اساسی مبین است که در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مغالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله نداشته باشد و در اصل ۲۷ که قوای مملکت بسه شبه تجزیه و تفکیک میشود شنبه دوم قضائیه و حکمی که عبارت از تیز حقوق و این قوه مخصوص است بمعاکم شرعیه در شریات و اصل ۲۷ دیوان عدالت هظمی و معاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضات در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرایط است لهذا اظهاری عقیده مینمایم که باید اوطلبان برای دخول بمعاکم عدلیه و جلوس بسمند قضات و علماً و علما متحن باشند و امتحان در محضر شریف یکی از فقهای عظام و حجج اسلام کثرا الله تعالی امناهم داده باشند و لاقول یکدوره شرایع و یا کتاب قضا و شهادت و قصاص و دیات را دیده باشند و الا بهیچوجه من الوجوه شرعاً و قانوناً غیر این قسم که از امتحان بدهند در صورتی که در قانون اصول تشکیلات عدلیه هم تعرض شده است امتحانات بدهند این نوع اشخاص قابل و لایق نیستند واستحقاق و صلاحیت از برای این مقام شریف ندارند و نمیشود اعراض و نوامیس و دماغم مسلمان را بعهده اشخاص غیر صالح و لایق گذارد و نیز در خانه تکراراً عرض مینمایم باید

حقوق در ماده قانون بعقیده بنده این بوده است که در آندرسه يك مادی تحصیل خواهند کرد که آنمواد برای ورود بمدلیه کافی خواهند بود و يك قسمتهای علمی را برای عضویت مدلیه در نظر گرفته اند و بنا بر این در آن جامد رسد حقوق را تصریح کرده اند بنده عرض میکنم مقصود این بوده است برای عضویت مدلیه يك مراد معنی درس گفته شود حالا خواه اسمش مدرسه حقوق باشد خواه غیر حقوق باشد اسم اهمیت ندارد و اگر از این نقطه نظر بوده است که حقوق در آنجا تدریس میشود اگر مدرسه دیگری هم باشد که رسماً همان مواد مصوبه در نظامنامه امتحان عدلیه در آن تحصیل شود و مصلحت آنجا هم امتحان میدهند دیگر ما چه دلیل داریم که آنها را از حق ورود بمدلیه محروم کنیم اینکه بفرمایند در آن تاریخ مدرسه سیاسی بود اگر چنانچه يك اهمیتی داشت لابد آقای مشیرالدوله که یکنفر از اعضای آن کمیسیون بودند اورا در نظر میگرفتند این دلیل نیست بجهت اینکه ممکن است يك مدرسه در ده سال قبل يك درجه از علوم دراو تحصیل میشده وبعد رفته رفته ترقی کرده و امروز مواد ندرسی و تحصیلی آن خیلی زیاد ترا سابق هده است پس این دلیل نیست که چون در آن تاریخ مدرسه سیاسی با قصد منظوره موافق نبوده است حالا هم از آن صرف نظر شود مثل اینکه اغلب مدارس در ابتدا در بدو امر خیلی کوچک و مختصر بودند حالا توسعه پیدا کرده و پر مواد تحصیلات آنها افزوده شده است بعلاوه در صورتی که در هر دو پیشنهاد این اصل مشترک است و قابل تصدیق کند آنوقت هر گاه مدرسه سیاسی هم مطابق همان پروگرام مصوبه مجلس تحصیل کرد و در آخر سال امتحان داد بچه دلیل ما میتوانیم بگوئیم دیلمش مؤثر نیست آیا دیلم مدرسه حقوق چون است مشروطه حقوق است مؤثر است یا خیر

بنا بر این مقصود مقنن همان بوده که در اول عرض کردم و تفسیر هم بیان روح قانون را میکند و این پیشنهادی که ما کرده ایم اهمیتش بچندین جهت زیاد تراست و در ضمن این اقدامی که برای عدلیه مملکت میکنیم ضمناً يك خدمت بزرگی هم بمبارف کرده ایم پس مقده بنده این است که قیر از مدرسه حقوق اگر رسماً دولت پروگرام آنها را تصدیق کند و همین مواد در آن مدارس تدریس شود و در موقع هم امتحان بدهند آنها هم مثل شاگرد دیلمه مدرسه حقوق خواهند بود فرق ندارد و بایند پس از تصویب

پروگرام مدرسه حقوق اگر مدرسه سیاسی هم همین امتحان را داد و تصدیق گرفت باید مؤثر باشد بنا بر این پیشنهادیکه ما کردیم شامل این قسمت و آن قسمتی که آقایان پیشنهاد کرده اند هر دو هست در صورتیکه پیشنهاد آقایان این مسئله اخیر را شامل نیست این را هم لازم است عرض کنم که مقصود و منظور نظر باین دوازده وسیزه نفر شاگرد مدرسه سیاسی که فعلا در عدلیه مستخدمند نیست بلکه مقصود اساسی معارف است در اینجا دو جمله توضیح داشتم راجع بیانات سابق بنده گویا سوء تفاهمی شده بود بعضی از آقایان تصور فرموده بودند که من عرض کرده ام مدرسه سیاسی معاف باشد مقصود این نبود که در تمام شرایط باید معاف باشد غیر اینکه بنده عرض کردم مقصود این بود که از حدیث درجات علمی معاف باشد ولی امتحان عملی یا سایر شرایط دیگر را باید دارا باشد این را چون در جلسه گذشته عرض نکرده بودم حالا ناچار بتوضیح آن شدم

قسمتی هم آقای وزیر عدلیه راجع بشاگردان سیاسی مستخدم قلمی عدلیه فرمودند که موضوع آنها گذشته و خودشان تقاضا نامه امتحان بمقام وزارت داده اند لازم است توضیح بدم تقاضا نامه که داده اند اول تقاضای مشروط بود بعد اورا مسترد داشته اند و تقاضا نامه دیگر داده اند ولی در اثر چه ؟ در اثر حکم انفصال این حکمی است که مورخه سوم حوت نوشته شده است که میخوانم

چون مطابق اعلان تقاضا نامه امتحان نداده اند از اول برج حوت هذه السنه از خدمت منفصل شدید. (وزیر عدلیه - صحیح است)

قدین - اگر تقاضا نامه امتحان داده اند بر حسب اجبار و الزام بود و آنوقت که عرض کردم مجبور بود بیامور عرض نکردم و زمینه پیشنهادی هم که از طرف بنده و بعضی رفقا شده است با زمینه پیشنهاد آقایان روحاً و اساساً یکی است و در نتیجه تصور میکنم با هم موافقم و بنا بر این بنده خیال میکنم اگر پیشنهادی که از طرف جمعی از رفقا داده شده اگر آقایان موافقت بفرمایند بهتر خواهد بود

مدیرس - چون سوء تفاهمی شده لازم است توضیحی عرض کنم

رئیس - بفرمایند

مدیرس - اگر چه بنده رسم نیست متعرض بیانات دیگران شوم لیکن چون بنی عم مکرم گفته اند در آنوقت مدرسه سیاسی مورد اهمیت نبود بنده می گویم مدرسه سیاسی آنوقت هم خیلی مورد

اهمیت بود بنده خودم شخصاً در اغلب امتحانات آنها حاضر بودم مقصود این بود که آنوقت ما اینبانده را می نوشتم منظور نظراین تفسیر نبود که آقایان میفرمایند ولی قانون عدلیه در کمیسیون مطرح است ممکن است پیشنهاد بکنند مدرسه را تعمیم بدهند هیچ مانع ندارد ولیکن نسبت باین ماده که دوازده سال قبل نوشته شده است نمیشود این تفسیر را کرد

رئیس - باز جمعی از آقایان اجازه خواسته اند و گویا میخواهند همان مسائلی را که ذکر کرده اند اعاده و تعقیب نمایند پیشنهادات دوباره قرائت میشود توضیحات هم داده شد نسبت بآنها رأی میگیرم

وزیر عدلیه - فقط چند کلمه لازم بود بنده عرض کنم اگر چه از زمینه پیشنهاد خارج است ولی از بیانات اولیه و توضیحات اخیر آقای تدین همچو فهمیدم که حکم انفصالی را که داده شده حمل بر يك اجباری کرده اند این حکم ممکن است تغییر باجبار شود ولی کاملاً مطابق قانون است

رئیس - آقای نظام الدوله این پیشنهادیکه فرموده اند که امتحان شامل حال همو اعضای عدلیه باشد حالات تفسیریه ندارد برای اینکه اجتناب واقع نشود پیشنهاد اولی مجدداً قرائت میشود و رأی می گیریم

(بضمون ذیل قرائت شد)

امضا کنندگان ذیل عقیده دارند تفسیر جزء چهارم از ماده ۱۴۷ قانون اصول تشکیلات عدلیه این است که مقصود از مدرسه حقوق مدرسه ایست که مواد تحصیلاتی آن با مواد نظامنامه امتحان در وزارت عدلیه که مدارج قانونی خود را طی کرده باشد مطابقت کامل داشته و فارغ التحصیلها از آن مدرسه دیلم در دست باشد اهم از اینکه بنام مدرسه حقوق نامیده شود یا مدرسه دیگر

رئیس - نسبت باین پیشنهاد رأی می گیریم آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام فرمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد دوم قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

مقصود از فقره چهارم ماده ۱۴۷ راجع بمدرسه حقوق این است که فارغ التحصیل های مدرسه حقوقی که پروگرام آن پس از طی مدارج معینه و رسیدن بمصوب مجلس اجرا خواهد گردید از دادن امتحان معاف خواهند بود

رئیس - نسبت باین پیشنهاد رأی می گیریم آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقای نظام الدوله از آقای رئیس الوزراه راجع بحرصکت ولایت عهد از اروپا سوآلی داشتند

نظام الدوله - در ابلاغیه که از مقام منبع سلطنت عظمی موقع مسافرت صادر شده بود چنین مرقوم فرموده بودند که در غیبت خودشان حضرت ولایت عهد نایب مناب ایشان خواهند بود خواستم از آقای رئیس الوزراه سوآل کنم این تصمیم عدلیه حضرت بعد شواهد را چه میفرماید و سوآل دیگر درازم آنها عرض کنم؟

رئیس الوزراه - سوآلاتان را بفرمایند

حاج شیخ اسد الله - همه آقایان و مخصوصاً آقای رئیس می دانند که در نتیجه شجاعت و فداکاری ابناء وطن و خونهای که از افراد این مملکت در اقطار عالم ریخته شد يك جواهراتی باین مملکت آوردند و بودیمه برای ملت ایران بیادگار گذاشته شد البته ملت و دولت باید کمال مراقبت را در حفظ و حراست جواهرات و دیده شجاعان این مملکت داشته باشند در ادوار سابقه یعنی قبل از دوره مشروطیت گویا يك تصرفاتی در این جواهرات شده است و از قراریکه می شنوم يك قسمت های جزئی در يك زمانهای قلیلی که لازم نیست اسم ببرم از بین رفته ولی بعد از تغییر رژیم استبداد بمشروطیت يك نفر اروپائی متخصص را خواستند و جواهرات را تقیم نموده و صورت ثبوتی از آن جواهرات برداشته شده بنده خواستم از آقای رئیس الوزراه سوآل کنم که آیا آن صورت ثبوتی که از جواهرات برداشته شده است محفوظ میباشد یا خیر ؟

و این جواهرات قبلاً در دست کی بوده و مسئول این جواهرات کیست اگر ممکن است برای اطلاع ملت آقای رئیس الوزراه در این باب توضیحات خود را بفرمایند

رئیس الوزراه - در چندی قبل مسئله جواهرات در هیئت وزرا مطرح مذاکره بود و قرار شد يك کمیسیونی از نمایندگان ادارات مختلفه معین شود از طرف مجلس شورای ملی هم چند نفر از نمایندگان حضور داشته باشند و بحضور آنها بصورت های موجوده رسیدگی شود و البته تصدیق خواهند فرمود بنده قبل از وقت نمی توانم جوابی بدهم و مو کول رسیدگی کمیسیونی است که در بین چند روز معین خواهد شد

حاج شیخ اسد الله - مطابق آنچه که بنده شنیده ام جواهرات چندین قسمت و در معلهای مختلفه بوده آیا آقای

شده و تجار کرمانی تلگراف کرده بودند که از آن چهارده هزار تومان که گرفته اند هفتصد تومان بیشتر بتجار نرسیده این قبیل اقدامات اگر قبلاً برحسارت سارقین آن محدود نیفرایند کاملاً امیدبخش نیست که تجار بتوانند زندگانی خود را با تجارت تأمین کنند

رئیس - آقای حاج شیخ اسد الله راجع بجواهرات سلطنتی سوآلی داشتند فرمودند سوآل راجع بجواهرات در جلسه بعد شود اگر اجازه بفرمایید سوآل دیگر درازم آنها عرض کنم؟

رئیس الوزراه - سوآلاتان را بفرمایند

حاج شیخ اسد الله - اگر اجازه فرمایند يك سوآل دیگر بکنم

رئیس - چند نفر دیگر از آقایان هم سوآلات دارند آقای ارباب کیخسرو نیز سوآلی راجع بهمین موضوع داشتند

ارباب کیخسرو - اگر چه آقای حاج شیخ اسد الله مسئله را بطور اختصار بیان فرمودند ولی سوآل بنده منحصر بم جواهرات نبوده هم راجع بجواهرات وهم راجع بتمام ذخائر بیوات سلطنتی است که تمامی متعلق بملت است

اینکه آقای حاج شیخ اسد الله هم اظهار فرمودند که شخص جواهر شناس آمد صورت برداشت شاید از نظر معو فرموده اند که در سنه ۱۳۲۷ از طرف ملت نظارت و صورت برداشته و در صندوقها گذارده و مهر شد یعنی آقای حسین قلیخان نواب و چند نفر دیگر که از طرف ملت نظارت داشته در صندوق هزارا مهر کردند نهایت شخصی آمده و تقویم کرده است فاما سوآلات بنده منقسم بمسه قسمت است قسمت اول راجع بمطالب موقه است که در سنه ۱۳۲۷ مطابق قراردادی که بین ملت و شاه مغلوع شد از قراری که می شنوم بموقع اجرا گذارده نشده و آن از این قرار است اولاً يك قسمت اسناد و قبالاتی بوده است که نزد شاه مغلوع مانده است و بایستی تسلیم کنند و در این مدت تسلیم ننموده اند

ثانیاً چهل ونه ظفری اسناد و قبالات مهمه بوده که نزد مختار الدوله یکی از ملازمین و همراهان شاه مغلوع بوده و هنوز تسلیم دولت نکرده است

ثالثاً مسئله تبدیل مروریه های دولتی و کسری زمردها است که مطابق صورت مضی شاهزاده کامران میرزا باید از عهده بیرون بیاید و کرایه خودش خواسته است هشتاد هزار تومان غرامت بدهد و قبول نکرده اند متأسفانه تاکنون هیچ عاید نشده همچنین در رشته تسبیح مروریه های خیلی

یکقطعه ساعت طلای مرصع سواده دوقاب نشانهای مرصع دوقطعه قوطی هینک طلا دو قطعه آبا آنها درجه حال و کجا است همچنین شنیده می شود در ظرف سنوات اخیره يك جبهه از جواهرات ایران در یکی از بانکهای سویس باسم عباس نام امانتاً سیرده شده است آیا دولت از آن جبهه چه اطلاع دارد و آن جبهه را کی سیرده است

قسمت سوم راجع بند خیر دولتی است که در حال فاسد شدن است منجمله ۱۲ صندوق جواهرات است که در جای بسیاری مرطوب گذاشته شده در صورتیکه رطوبت با مروراید موافقت ندارد و نزدیک فاسد شدن است آیا دولت برای جا بجا کردن و جلوگیری کردن از فاسد شدن آنها چه اقدامی کرده است که از هر حیث درجای سلامتی گذارده شود و دیگر اینکه مقدار زیادی ذخائر دربار سلطنتی که متعلق بملت است در ایام اخیر از بین رفته من جمله از خیام خانه و موزه خانه و اسلحه خانه و زین خانه و امثال آن

آیا دولت میتواند اطمینان دهد که هر چیزی بجای خود باقی است یا خیر ؟ من جمله کارخانه چراغ برق سلطنتی است که در دربار سلطنتی بوده است و از قراریکه شنیده میشود مشغول خورد کردن و فروختن اسباب آن هستند همچنین مقدار زیادی اشیاء نفیسه گرانها و حتی عهد نامه ها و قبالات و غیره است که مثل اسواص بیصاحب در عمارت بی سقف وزیر برف و باران و مخلوط با خاک و خاشاک ریخته شده است آیا برای حفظ آنها دولت چه اقدامی نموده است اینها چیزهایی است که بنده شنیده ام چون تمام اینها مطابق اصل سی وسوم و اصل سی و پنجم و اصل چهل و چهارم قانون اساسی ملك و مال ملت است و از وظیفه و کلا است که در حفظ و سیانت آن بکوشند (جمعی گفتند صحیح است) ما در اینجا ساعاتها وقت خودمان را صرف جزئیات میکنیم در این صورت از میلیونها مال ملت نمی شود صرف نظر کرد (صحیح است صحیح است) ولی چون خوشبختانه آقای رئیس الوزراه از اشغالی هستند که از تمام مطالب مستحضرند استعدا دارم اگر مقتضی است جواب مسائلی را که عرض کردم بفرمایند

رئیس الوزراه - سوآلاتی را که در جزئیات شدند و بنده اطلاع نداده بودند باین جهت بایستی جزئیات سوآل خود را بنویسند تا بنده تعقیق کرده جواب يك يك آنرا عرض کنم اما دو مطلب را کلیتاً میتوانم عرض کنم یکی اینکه همینطور که عرض کردم کمیسیونی برای رسیدگی بفرزانه

کران بها میباشد که نزد دو نفر از تجار بوده و من تجاوز از چهل هزار تومان قیمت آنها است در حالتیکه تجار بقریب کمی گرفته اند و بایستی رد کنند ورد ننموده اند همچنین دو بسته از جواهرات دولتی است که محمد علی میرزا در بانک استقراضی سابق گذارده بود و می بایستی بدرت رد کند و هنوز بدولت رد نشده است و دیگر دوستی وسی لیره طلا بوده است که مفتوح الملک در راه مکه از مسروقات میرزا یوسف سررشته دار گرفته است و هنوز بدولت نداده است يك قسمت عده دیگر از جواهرات است که نزد محمد علی میرزا مانده و می بایستی مطابق برتکسل رد نماید ولی هنوز رد نکرده است بعلاوه اشیائی از میان رفته که باید نتیجه اقدامات دولت در استرداد معلوم شود منجمله پنجه از قبضه تفنگ و چندین هزار فشنگ از اسلحه خانه بیرون رفته که متجاوز از سیصد هزار تومان قیمت داشته و هنوز رد نشده است و نیزه جلد کتب نفیسه بوده است که از شک از کتابخانه دولتی برده و در نیویورک بدو بست و چهل هزار دلار که تقریباً سیصد هزار تومان می شود فروخته است و آلان آن کتابخانه که این کتب در آنجا مفقود شده از دولت امریکا ادعای یازده میلیون دلار (مادل بیست ونه کروور تومان) غرامت میکند قریب شصت هزار تومان کتبی بوده که نزد مرحوم قائم مقام وزیر هما یون سابق بوده است و بمده بدست عروسش رسیده و حتی يك جلد از آن کتب تقدیم یکی از شاهزاده محترم شده است و این کتب نیز بدولت نرسیده است اینها قسمتهائی است که نتیجه آن ناقص مانده و باید رد شود و هنوز رد نشده است

قسمت دوم راجع بجواهرات است اولاً همان اوقات یعنی سنه ۲۷ که رسیدگی شد جواهراتی را بصرای موقع رسمی و تشریفات سلطنتی تخصیص داده اند سوآل میشود که آقایان جواهرات در چه حال است و کجا است

ثانیاً چهل ونه فقره جواهرات که بموجب اسناد رسمی مندرجاً از خزانه خارج شده سوآل میشود آن جواهرات در کجا است

ثالثاً دوازده فقره جواهرات بشرح ذیل اخیراً از خزانه خارج شده تسبیح مرورایدی که هر دانه آن تقریباً يك منقال وزن داشته سه رشته انگشتر تخمه الماس برلیان هفت حلقه انگشتر تخمه فلامک سه حلقه انگشتر تخمه لعل يك حلقه انگشتر تخمه زمره يك حلقه انگشتر تخمه یاقوت دو حلقه انگشتر تخمه فیروزه يك حلقه دگه تخمه الماس برلیان که یازده قیراط وزن داشته يك حلقه سنجاق تخمه الماس

درباره همین بدخایر سلطنتی معین خواهد شد و تحقیق خواهند نمود معنائیکه ذخایر هست مناسب دارد یا ندارد و اگر مناسب است ندارد بجه محلها می باید نقل شود و بطور کلی میتوان عرض کنم که دولت در این خصوص تصمیماتی نموده و در دست اقدام است راجع بسایر مطالب هم بطوریکه عرض شد محتاج به تحقیقات دقیقانه است صورت سؤال خود را بفرستید تا راجع به جزئیات آن تحقیقات لازمه بعمل آمده و برض مجلس برسد

ارباب کیه خسرو - اینکه فرمودند اطلاع نداشتند در چند روز قبل که بنده صورت سؤال خود را تقدیم مقام ریاست کرده ام هم مسئله جوهرات و هم سایر ذخایر سلطنتی را نوشته بودم حالاً که فرمودند صورت سؤال خود را تقدیم نمایم خواهم نوشت ولی استدعا دارم دریاب راپورت اداره بیوات که بدولت رسیده است صورتی از آنها بمجلس بفرستند تا آقایان نمایندگان بیشتر از قضایای دربار مطلع باشند

رئیس - چون سؤال را بطور کلی داده بودید و داخل جزئیات نشده بودید فقط نوشته بودید راجع بجوهرات سلطنتی و ذخایر همین طور هم بدولت ابلاغ شد سؤال دیگری راجع بجزیره هرمز داشتید

ارباب کیه خسرو - راجع بجزیره هرمز لازم نیست بنده توضیحات مفصل این جا عرض کنم زیرا آقای حاج معین التجار بوشهری بقدر لزوم در ضمن کتابچه نوشته اند و خدمت آقایان نمایندگان است چون این مسئله مدت ها طول کشیده است نه فقط آقایان نمایندگان بلکه عموم مردم از این مسئله اطلاع حاصل نموده آقای حاج معین التجار بوشهری در ضمن کتابچه داده فرمائی داشتند که در مجلس دوم طرح و رجوع بکمسیون فرمایند عامه شده بانظر دولت مجلس در آن باب تصمیمی گرفت و قرار بود دولت آن تصمیم را اجرا کند

ولی متأسفانه از روی کتابچه که آقای حاج معین التجار منتشر نموده اند معلوم می شود نه فقط تصمصم مجلس بموقع اجرا نگذاشته نشده بلکه بهیچوجه منافع دولت و مملکت هم معفوظ نمانده است در این خصوص بنده استنادی هم دارم که اگر موقعی برسد که این مسئله مثل تفسیر فقره چهارم ماده ۱۴۷ قانون تشکیلات عدلیه مطرح شود آنها را به نظر آقایان خواهم رسانید تا معلوم شود دولت های وقت تاچه اندازه نخواستند منافع ملت را حفظ کنند بوجوب تصمصم مجلس شورای ملی یک حق برای آقای حاج معین التجار منظور شده است ایشان بوجوب آن تصمیم مبالتی خود را طلب کار

میدانند حالا قسمتی از اصل و قسمتی از فرع است بنده داخل جزئیات آن نمی شوم که آیا چه درجه ذی حق هستند منظور بنده اینجا دو چیز است اولاً تصمیمی که مجلس شورای ملی در دوره دوم گرفته است بوجه اجرا گذارده شود و ثانیاً تعیین شود که حاج معین التجار چه مقدار طلب دارد و ترتیبی برای طلب ایشان داده شود که از نقطه نظر یک نفر تاجر ایرانی بودن حقوق ایشان معفوظ بماند برای اینکه بنده میدانم اگر بعضی دولت ها مجبور شده اند در بعضی مواقع صرف نظر از حق ارباب از منافع دولت بکنند شاید یک نظریات سیاسی داشته در صورتیکه بودن جزیره در دست یک نفر ایرانی علاوه بر اینکه منافع زیادتری هاید مملکت می شود از نقطه نظر سیاسی هم صلاح ماست در این خصوص خواستم از آقای رئیس الوزراء سؤال کنم چه تصمیمی اتخاذ فرمودند و برای رسیدگی به ترتیبات آن جزیره برای حفظ منافع دولت و حفظ حقوق آن تاجریکه یک چیزی را از حال نابود بوجود آورده و بدولت سپرده است چه اقدامی خواهند فرمود ؟

رئیس الوزراء - تقریباً یا زوده روز قبل در هیئت وزراء این مطلب بوجوب شکایت حاج معین التجار مطرح شد و دو نفر از آقایان وزراء معین شدند که با حاج معین التجار بشینند و باین حساب رسیدگی میکنند و نتیجه را به هیئت وزراء بیاورند تا بعد بمجلس شورای ملی فرستاده شود رسیدگی هم شده و تقریباً به مجلس فرستاده خواهد شد بعد از آنکه بنظر عموم نمایندگان رسیده البته هر طور تصویب فرمودند دولت اقدام خواهد کرد

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا در خصوص مطبوعات و طرز اصلاح آنها سؤالی داشتند

محمد هاشم میرزا - خواستم از آقای رئیس الوزراء سؤال کنم که چنانچه ملاحظه می فرمایند این روزها مطبوعات از سبک سابق دست برداشته و مطبوعات مضربه پیدا شده که در سایه آزادی مطبوعات و نبودن هیئت منصفه برای محاکمه از حدود خود تجاوز نموده اند این است که از ایشان سؤال می کنم آیا در این خصوص چه تصمیمی اتخاذ فرموده اند که عموم از تعرضات آن ها مصون باشد و جرائم هم از تعرضات غیر قانونی ...

رئیس الوزراء - همینطوری که اظهار فرمودند بعضی از مطبوعات فی الواقع از رویه که برای آنها معین است خارج شده تصور می کنند در مقابل آزادی هیچ نوع مسئولیتی نیست در صورتیکه حق و تکلیف باهم توأم است در مقابل هر حق

تکلیفی هم است آزادی بدون مسئولیت امکان ندارد آزادی بدون مسئولیت هر چه مرج است باین جهت این مسئله فسوق العاده اسباب شکایت تمام طبقات شده و همین طور که در این جا سؤال می شود در خارج هم به هیئت وزراء فشار می آورند زیرا باندازه فطاشی و خوارچ از رویه چیز نوشتن زیاد شده که تمام طبقات شکایت می کنند هیئت وزراء را در فشار فریبی قرار داده اند چون قانون مطبوعات هم ضمانتهائی که برای آزادی قلم هست بقدر کافی معین نکرده هیئت وزراء مصمم هستند چند ماده در تکمیل قانون مطبوعات تهیه نموده و بمجلس شورای ملی پیشنهاد کنند که بقانون مطبوعات افزوده شود و با تصویب مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذاشته شود .

رئیس - آقای نظام الدوله راجع به بلدیہ سؤالی داشتند

نظام الدوله - چون سؤال بنده راجع به بلدیہ است قبلاً میخواستم استفسار کنم که آیا بطوریکه سابقاً گفته شد بلدیہ در تحت نظر مستقیم آقای رئیس الوزراء است یا اینکه در تحت مسئولیت وزارت داخله است روی هم رفته از بلدیہ گفته میشود یا اینکه مقداری از آن را خود بنده می دانم (مثل این است که بشود گفت افران است) زیرا راجع به ایامات و بودجه آنجا گفته میشود پنجاه هفت هزار تومان حد اقل مخارج ماهیانه است و عایدات هم تقریباً تا ۷۵ هزار تومان است و صورت کار بلدیہ حقیقتاً صورتی است که گمان نمی کنم بلدیہ یک ده یک شهر کوچکی که بلدیہ داشته باشد منظور من اینطور باشد چون آقای رئیس الوزراء دقت خاص در این مسائل دارند بنده سؤال می کنم که ظن سؤال شدید نباشد فقط بطور تذکر عرض کردم و بیش از این لازم نمی دانم مفاسد و معایب آنجا را عرض کنم همین قدر سؤال میکنم آیا در این باب چه نظریه اتخاذ فرموده اند و تأمین افکار جامعه را بچه طرز انجام خواهند داد بملاوه این مالیاتها و عوارضاتی که گرفته میشود چون جنبه قانونی ندارد چه صورتی دارد چون مجلس شورای ملی که قانونی وضع نکرده و مردم هم تمام عوارض را قبول کرده و میدهند روی هم رفته منتظریم یک امیدواری هائی پیش بیاید حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء تأمین خاطر بنده و عموم مردم را که شاید بیشتر از تمام ادارات و دوائر دولتی از بلدیہ و وضعیات آن شاکس باشند فراهم آورند .

رئیس الوزراء - در باب بلدیہ دولت مشغول مطالعه و اصلاحات است و از قدم هاییکه عجلتاً برداشته شده یکی

موازنه بودجه بلدیہ است چون عایدات بلدیہ تقریباً در سال شصصد الی شصصد و پنجاه هزار تومان است مخارج آن هشتصد هزار تومان میشود باین جهت بلدیہ دچار کسر بودجه و عقب افتادن حقوق میشود بدیهی است بواسطه عقب افتادن حقوق دچار يك اشکالاتی میشود ولی حالا يك بودجه مخارجی برای بلدیہ نوشته شده است که در حدود همان عایدات یعنی شصصد هزار تومان است و بعد هر چه علاوه شود برای مصارف عام المنفعه خواهد بود عجلتاً در موضوع بودجه بلدیہ مشغول هستیم و گمان میکنم در آتی نزدیک بمجلس خواهد آمد این يك مسئله در باب سایر مسائل هم مشغول مطالعه هستیم که يك ترتیبات صحیحی داده شود و مخصوصاً نظر دولت این است که قسمت اعظم عایدات صرف مسائل عام المنفعه از قبیل امور صعبیه و خیریه و تأسیس مدارس مجانی شبانه روزی و ابتدائی تأسیس مدارس صنعتی بشود و حتی المقدور از اشخاص یشت میز نشین کاسته میشود اما در باب عوارض بلدی یک عوارضی سابقاً تصویب شده بود که در کابینه سابق یک تجدید نظری در باب عوارض شده و یک قسمت آن الفنا شد و یک قسمت دیگر تصویب گردید فعلاً يك عوارضی از مردم گرفته میشود و از طرف آقای نظام الدوله اشاره شد باینکه عوارضی که بتصویب مجلس نرسیده چه صورتی دارد ؟ راست است که بتصویب مجلس نرسیده ولی اگر بخواهیم این اصل را بموقع اجرا بگذاریم بلدیہ بدون عایدی خواهد بود و آنوقت لازم است این است که بلدیہ منحل بشود تا آن عوارض بتصویب مجلس برسد و گمان می کنم راه عملی این است که آن عوارض عجلتاً گرفته شود و بعد لایحه آن بمجلس پیشنهاد شود تا مجلس در آن باب نظر قطعی اتخاذ کند که امور بلدیہ گردش کند تا وقتی که مجلس يك ترتیبی برای آن معین نماید بنابراین چون بنده این نظر را داشتم به وزارت مسالیه دستور دادم که یک کمسیون میین کند و این عوارض را در تحت مطالعه در آورد که بمجلس پیشنهاد شود تا هر طور مجلس رأی داد رفتار شود

نظام الدوله - فقط چیزی را که در خاتمه عرض میکنم این است که عوارض بلدی را مردم بیش از این حاضرند بدهند و هر چه هم فقیر باشند حاضر برای تأمین وسایل زندگانی خود هستند فقط حرف در این است که این پول بخرج و مصرف خود برسد و یگانه امیدواری که هست بهمان فرمایش آقای رئیس الوزراء است و امیدواریم آنچه باید میشود بمصارف عام المنفعه برسد .

رئیس - سؤالات راجع بوزارت

داخله باز هست ولی چون مدتی از شب گذشته میماند برای جلسه دیگر

معاون وزارت داخله - بودجه وزارت داخله در حدود اعتباری که مجلس تصویب کرده حاضر است و تقدیم میشود (به آقای رئیس تسلیم نمودند)

رئیس - آقای فہیم الملک (اجازه)

فہیم الملک - در این چند روزه در یکی از روزنامه های محلی (نهضت شرق) شنیده شد که آقای آقا میرزا احمد خان آذری يك محلهائی نشان داده اند میتوانند از آن محلها منافع گزافی بدولت برسانند بعد در روزنامه دیگر دیده شد ایشان را حکمبسیون بودجه خواسته اند و با ایشان مذاکراتی کرده اند و دوازده کروور معین تهیه کرده اند که بدولت برسانند آقای مہیر کمسیون بودجه که تشریف ندارند بنده از سایر آقایان اعضاء کمسیون که اطلاع دارند سؤال می کنم که اگر ممکن است نتیجه مذاکرات خودشان را بفرمایند که اگر واقعاً این مسئله صحت داشته باشد خدمت بزرگی شده و قابل تقدیس است و اگر صحت ندارد بی جهت بموهومات اهمیتتی داده نشود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه نطق)

حاج شیخ اسدالله - چندی قبل راجع به موراتوریوم راپورتی بکمسیون بودجه از آقای آذری رسید و یک اطلاعاتی از خودشان در آن راپورت ذکر کرده بودند و در نتیجه يك صورتی داده بودند و اظهار نموده بودند اگر بدقت رسیدگی شود تقریباً دوازده کروور عاید دولت میشود کمسیون بودجه چنین تصویب کرده اند پنج نفر را انتخاب کنند و بدوسیہ های وزارت خارجه و وزارت مالیه راجع باین راپورت مراجعه نموده و ببینند اظهاراتی که شده صحیح است یا خیر پنج نفر از کمسیون بودجه انتخاب شد که یکی از آن پنج نفر بنده بودم دوسیہ جلسه آن کمسیون تشکیل شد دوسیہ های وزارت خارجه و وزارت مالیه که در این باب بابانک مکاتباتی شده بود خواسته شد و چنین صلاح دیدند که خود آقای آذری هم در یکی از جلسات حاضر شود و راجع برابورتی که داده است مطابق آن دوسیہ ها اطلاعات خود را اظهار کند که کمسیون بهتر بتواند نتیجه بگیرد در ضمن اظهاراتی که آذری در آن راپورت کرده بود و توضیحاتی که داده از دوسیہ های وزارت خارجه و وزارت مالیه و زمینه اظهارات آقای آذری چیزی فهمیده نشد فقط بمنوان موراتوریوم هشتصد هزار لیره در مدت متعادی دولت گرفته است و همیشه بین دولت و بانک يك اختلافی بوده است و یک مکاتباتی رد و بدل میشده و در

تحت این عنوان که تقاضای دولت بمنوان موراتوریوم بوده و در ضمن يك مکاتباتی هم بود که عنوان موراتوریوم را دولتین قبول کرده اند ولی مشروط کرده بودند که باید از حدود سی هزار لیره در ماه تجاوز نکنند و ماهی سی هزار لیره بیک مدت معینی نآید شده است کمسیون مطابق تحقیقاتی که شد دیدیم بانک در ضمن این مدت نخواست است عنوان موراتوریوم را اجرا کند و اظهار میکند این وجهی که تا بحال بدولت میداده است بمنوان آوانس بوده باین معنی که در بعضی ماهها که عایدات کم کرک هم معادل سی هزار لیره نبود اقساط قروض خود را ماه بماه بر میداشته اند و در مقابل سی هزار لیره میداده اند ولیکن دولت ایران عنوان آوانس را قبول نکرده و تمام تقاضائی که میشده تقاضای موراتوریوم حیشه است و در مکاتبات خودشان هم تصدیق این مطلب را کرده اند بملاوه چیزیکه از دوسیہ ها فهمیده شد دو قضیه بود که بعد از رسیدگی لابد باید بمجلس پیشنهاد شود یکی این است که در موقعی که بانک لیره را تسعیر میکرد و بدولت ایران در همان تاریخ میداده و لیره را که از بابت قروض خود بر میداشته است تفاوت قیمتی منظور شده یعنی در يك تاریخ لیره را که میداده و میکرفته است در قیمت آنها تفاوت می گذاشته اگر چه هنوز يك صورت رسمی بدولت ایران داده نشده و فقط از وزارت مالیه يك صورت غیر رسمی آورده اند و اظهار میداشتند که این صورت صورت رسمی نیست و از آن صورت غیر رسمی اینطور فهمیده شد و اختلاف قیمت لیره در آنجا مشاهده میشد يك اختلاف دیگری هم هست .

رئیس - اگر مفصل است بقیه این جواب بماند برای جلسه دیگر بعضی اظهار نمودند باید راپورت رسمی بدهند

حاج شیخ اسدالله - بلی مفصل است ولی بنده حاضر هر وقت بفرمایند عرض کنم .

رئیس - خوب بود اول میفرمودید جلسه آتیہ روز سه شنبه دستور آن اولاً شور دوم قانون شورای عالی معارف ثانیاً راپورت کمسیون فوائدها راجع بالطاق رود کارون بزاینده رود مجلس چهار ساعت از شب گذشته ختم شد .

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک

صورت مشروح مذاکرات جلسه ۷۳ مورخه یوم سه شنبه سلخ جمادی الثانی (۱۳۴۰) مطابق (۹) برج حوت (۱۳۰۰)

مجلس دوساعده ونیم قبل از فروپ